

اُستادانه

محتوای خوب از ما، نمره خوب برای شما

آرایه‌های بدیعی و بیانی ابیات فارسی عمومی کتاب فارسی عمومی نوشته عباس فتوحی

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ارزش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ارزش استفاده میکنی اینو بدون که اُستادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلاً راضی نیست ارزش استفاده کنی!

اگه دوست داری ارزش استفاده کنی همین الان به سایت اُستادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ارزش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست مطالب:

۶	ابیات:
۶	ادبیات و زبان:
۶	دانش های ادبی:
۸	عروض و قافیه:
۹	قصیده:
۹	منوچهری دامغانی: بهاریه
۱۴	ناصر خسرو قبادیانی: پند حکیمان
۱۵	سنایی غزنوی: اعتبار و اعتذار
۲۱	انوری ابیوردی: نامه اهل خراسان
۲۴	خاقانی شروانی: ایوان مداین
۲۷	محمد تقی بهار: دماوندیه
۳۱	مهدی اخوان ثالث: کهن بوم و بر
۳۳	غزل:
۳۳	شهید بلخی: نخستین غزل پارسی

- ۳۴ رودکی: هر چه بادا باد.....
- ۳۴ دقیقی: زلفکان تو.....
- ۳۵ سنایی: عاشق نشوید.....
- ۳۵ حسن غزنوی: تو بی ما چگونه ای.....
- ۳۶ انوری ابیوردی: بس زود برفتی.....
- ۳۷ عطار نیشابوری: امشب نیم مست.....
- ۳۷ مولوی بلخی: صورتگر نقاشم.....
- ۳۸ مولوی بلخی: من غلام قمرم.....
- ۳۹ مولوی بلخی: شکر خندیدن.....
- ۴۰ مولوی بلخی: غلام آفتاب.....
- ۴۱ فخرالدین عراقی: نخستین باده.....
- ۴۲ سعدی شیرازی: عاشقان بیدل.....
- ۴۳ سعدی شیرازی: یاران به عیش بنشستند.....
- ۴۴ حافظ شیرازی: انکار شراب.....
- ۴۴ حافظ: کی شعر تر انگیزد.....
- ۴۴ حافظ: شهره‌ی شهرم.....
- ۴۵ محتشم کاشانی: غزل واسوخت.....
- ۴۶ وحشی بافقی: ز هر کس که بریدیم بریدیم.....
- ۴۶ کلیم کاشانی: قربان آن بناگوش.....
- ۴۷ صائب تبریزی: کتاب آدمی.....
- ۴۸ بیدل دهلوی: شوهری رنگ پریده.....
- ۴۹ فروغی بسطامی: ماه غلام رخ زیبای تو.....
- ۵۰ شهریار: ماهم آمد.....
- ۵۱ ابتهاج: آغاز و انجام جهان.....
- ۵۲ عماد خراسانی: چو شب های دگر.....
- ۵۳ سیمین بهبهانی: دوباره می‌سازمت وطن.....
- ۵۴ شفیعی کدکنی: نفسم گرفت.....
- ۵۴ محمد علی بهمنی: زمانه‌ی بی‌های و هوی.....
- ۵۵ حسین منزوی: زن صاعقه وار.....
- ۵۵ سلمان هراتی: معنی دریا شدن.....
- ۵۶ قیصر امین پور: بغض‌های کال من.....
- ۵۶ قیصر امین پور: آرزوهای شعاری.....
- ۵۷ ابیات یکه: از سبک هندی.....

۵۸	مثنوی:
۵۸	شاهنامه: گیسو افکندن رودابه از بام کاخ
۶۱	شاهنامه: خان چهارم: تنبور نوازی رستم
۶۱	شاهنامه: سخنی که ویران و آباد کرد
۶۲	لیلی و مجنون نظامی: وفات مجنون
۶۴	اسرار نامه: نخواندن نماز بر جنازه فردوسی
۶۴	مصیبت نامه: دیوانه‌ی وارسته
۶۵	مثنوی معنوی: به عیادت رفتن کر
۶۵	مثنوی معنوی: خر فروشی صوفیان
۶۵	بوستان سعدی: شمع و پروانه
۶۷	بوستان سعدی: حکایت ابراهیم:
۶۷	لیلی و مجنون جامی: کاسه شکنی لیلی
۶۸	سلامان و ابدال جامی: مشق نام لیلی
۶۹	وحشی بافقی: زیبایی لیلی
۶۹	رضی آرتیمانی: ساقی نامه
۶۹	خانلری: عقاب
۷۲	قیصر امین پور: نی نامه
۷۳	قطعه:
۷۳	ابوالفرج سگزی: عنقای مغرب
۷۴	انوری: چنار و کدوبن
۷۴	ابن یمین: سفر از عدم تا عالم قدس
۷۴	آگهی یزدی: ده امر ناپسند
۷۴	قآنی شیرازی: گفت و گوی دو الکن
۷۴	ایرج میرزا: جنگ معشوقه و مادر
۷۵	ایرج میرزا: حق استاد
۷۵	پروین اعتصامی: سر و سنگ
۷۵	محمدتقی بهار: دخترک اعجمی
۷۶	گزیده رباعیات:
۸۰	دوبیتی:
۸۲	شعر آزاد:
۸۲	نیما یوشیج: مهتاب
۸۲	نیما یوشیج: چشم در راهم
۸۳	نیما یوشیج: داروگ

فریدون مشیری: کوچه	۸۳
احمد شاملو: کیفر	۸۴
مهدی اخوان ثالث: زمستان	۸۵
مهدی اخوان ثالث: قاصدک	۸۶
مهدی اخوان ثالث: کتیبه	۸۶
مهدی اخوان ثالث: غزل	۸۷
سهراب سپهری: واحه ای در لحظه	۸۸
سهراب سپهری: سوره‌ی تماشا	۸۸
فروغ فرخزاد: پرواز را به خاطر بسپار	۹۰
فروغ فرخزاد: سلامی به آفتاب	۹۰
شفیعی کدکنی: هزاره‌ی دوم آهوی کوهی	۹۰
شفیعی کدکنی: غزل برای گل آفتاب گردان	۹۰
شفیعی کدکنی: سفر به خیر	۹۱
گلرخسار: شاهنامه وطن است	۹۱
شعر سپید:	۹۱
احمد شاملو: شبانه	۹۱
موسوی گرمارودی: نخل ولایت	۹۱
قیصر امین پور: اشتقاق	۹۳
نثر:	۹۳
ادبیات داستانی:	۹۸
زبان:	۹۹

* توجه * * توجه *

در این فایل برای سهولت مطالعه و کاهش حجم مطالب فقط ابیات و اشعاری که دارای آرایه بوده اند آورده شده و از ابیاتی و اشعاری که فاقد آرایه ادبی بوده اند صرفه نظر شده است.

ابیات:

ادبیات و زبان:

۱- ز روی سبزه صبا مشت شب‌نمی برداشت برای زینت گردون به آسمان افشاند

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲- ... که نقطه‌چینِ عبورِ پرنده‌گان آن‌جا در آن فرازِ فرازِ نشانِ حذفِ شب است نمونه‌ی ایجاز.

پرنده‌گانِ غریب به روی سربی سرد سپیده در پرواز.

تکرار فراز جهت تاکید،

تضاد بین شب و سپیده.

۳- ای پسته‌ی تو خنده زده بر حدیث قند

پسته استعاره از دهان معشوق،

بر حدیث قند خنده زدن: کنایه از شیرین‌تر بودن دهان معشوق از قند،

تشبیه تفضیل و مضمّر.

۴- بنفشه طره‌ی مفتول خود گره می‌زد صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

استعاره مکنیه (تشخیص)،

تشبیه تفضیل و مضمّر.

۵- ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

استعاره مکنیه (تشخیص)،

نگران شدن: ایهام: ۱- نگریستن ۲- پریشان شدن

دانش های ادبی:

۶_ جوی ها بسته ام از دیده به دامن که مگر در کنارم بنشانند سهی بالایی

اغراق یا غلو بیانی،

مصراع اول: کنایه از گریستن بسیار،

سهی بالا: استعاره از محبوب،

واج آرایی حرف دال.

۷_ پاک کن چهره‌ی حافظ به سر زلف ز اشک ور نه این سیل دمامد ببرد بنیادم

بین دم در کلمه دمامد و اشک: ایهام تبادر،

واج آرایی دال و ب، اغراق بیانی در سیل.

۸_ چشمه‌ی چشم مرا ای گل خنداد دریاب که به امید تو خوش آب روانی دارد

جناس ناقص افزایشی بین چشم و چشمه،

گل خندان استعاره از محبوب.

۹_ حافظا شاید اگر در طلب گوهر وصل دیده دریا کنم از اشک درو غوطه خورم

گوهر وصل: اضافه تشبیهی،

دیده دریا کردن: اغراق بیانی.

۱۰_ دارم امید بر این اشک چو باران که دگر برق دولت که برفت از نظرم باز آید

تشبیه اشک به باران،

برق دولت: اضافه تشبیهی.

گرچه از خون دل ریش دمی طاهر نیست

۱۱_ اشکم احرام طواف حرمت می‌بندد

مصراع اول: کنایه از بسیار گریستن،

بین خون و دم: ایهام ترجمه.

احرام و حرم: جناس اشتقاق

ز گنج خانه‌ی دل می‌کشم به مخزن چشم

۱۲_ بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو

تناسب بین لعل و گهر،

گنج خانه‌ی دل: اضافه‌ی تشبیهی، مخزن چشم: اضافه‌ی تشبیهی،

لعل و گهر: استعاره از اشک.

بر روی ما ز دیده چه گویم چه ها رود؟

۱۳_ از دیده خون دل همه بر روی ما رود

تکرار دیده و روی،

واج آرایی الف.

۱۴_ تنها دهان طبل گشودست/ طبل دهان دریده/ طبل دغل درای/ تاریکی است و میدان در امتداد شام/ و

تام تام طبل که دیگر تمام و تام.

استعاره مکنیه (تشخیص)،

واج آرایی حرف ت و الف،

جناس ناقص افزایشی بین تام و تمام، جناس ناقص اختلافی بین تام و شام، تکرار تام،

ایهام تناسب بین طبل و درای.

۱۵- ترش بنشین و تندی کن که مارا تلخ نماید
چه می‌گویی چنین شیرین که شوری در من
افکندی

تناسب بین ترش و شیرین و شور و تلخ،

حس آمیزی،

ایهام تناسب بین شور و دیگر مزه‌ها.

۱۶- لبش ندانم و قدش چگونه وصف کنم
که این چو دانه‌ی نار است و آن جو شعله‌ی نار
لف و نشر مرتب،

جناس تام در نار: نار اول به معنی انار و نار دوم به معنی آتش.

۱۷- بودم آن روز من از طایفه‌ی دردکشان
که نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان

جناس مرکب در تاک نشان به دو معنی نشانی از تاک نبود و نشانی از تاک نشان نیز نبود.

۱۸- بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

جناس تام در گور، اولی به معنای گور خر و دومی به معنای قبر.

۱۹- در عیش نقد کوش که چون آبخور نماید
آدم بهشت روضه دارالسلام را

بین بهشت و روضه دارالسلام: ایهام تناسب

عروض و قافیه:

۲۰- باز آمدم چون عید نو تا قفل زندان بشکنم
وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم

تشبیه،

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع دوم.

نظم تو از این سحریانان مزه دارد

۲۱- این رنگ سخن طرز کسی نیست غزالی

حس آمیزی: رنگ سخن

قصیده:

از بیت هاش گلشن و ایوان کنم

۲۲- قصری کنم قصیده خود را درو

تشبیه.

یکی امین دانا دربان کنم

۲۳- بر درگهش ز نادره بحر عروض

تشبیه.

منوچهری دامغانی: بهاریه

خیز ای بت فرخار، بیار آن گل بی‌خار

۲۴- هنگام بهارست و جهان چون بت فرخار

تشبیه،

بت فرخار در مصراع دوم: استعاره از محبوب، تکرار،

واج آرایه حرف خ

وز خوردن آن روی شود چون گل بر بار

۲۵- آن گل که مر او را بتوان خورد به خوشی

واج آرایه حرف خ،

تشبیه،

جناس ناقص افزایشی بین بر و بار.

نحلش ملکانش به گرد اندر و احرار

۲۶- آن گل که به گردش در نخلند فراوان

گل: منظور گل سرخ است.

تشبیه

وین گل به سوی نحل بود دایم طیار

۲۷- همواره به گرد گل طیار بود نحل

قلب مطلب.

تشبیه می به گل،

گل استعاره از محبوب،

تناسب بین گل و بلبل.

گشته سر هر برگ از آن قطره گهربار

۲۹- آن قطره باران بین از ابر چکیده

تناسب بین ابر و باران و قطره و گهر،

جناس ناقص بین سر و هر.

سیمین گرهی بر سر هر ریشه دستار

۳۰- آویخته چون ریشه دستارچه سبز

تشبیه، تکرار،

جناس ناقص بین سر و هر و بر.

اندر سر هر سوزن یک لؤلؤ شهوار

۳۱- یا همچو زبرجد گون یک رشته سوزن

تشبیه.

بر طرف چمن بر دو رخ سرخ گل نار

۳۲- آن قطره باران که فرو بارد شبگیر

گویی به مثل بیضه کافور ریاحی

بر بیرم حمرا بپراکنده ست عطار

ابیات موقوف المعانی هستند.

تشبیه مرکب،

جناس ناقص افزایشی بین رخ و سرخ.

بر تازه بنفشه، نه به تعجیل به ادرار

۳۳- وان قطره باران که فرود آید از شاخ

گوییکه مشاطه ز بر فرق عروسان

ماورد همی ریزد، باریک به مقدار

ابیات موقوف المعانی هستند.

بیت دوم دارای تشبیه مرکب است.

بر طرف گل ناشکفیده بر سیار

۳۴- وان قطره باران سحرگاهی بنگر

واندر سر پستان بر، شیر آمده هموار

همچون سرپستان عروسان پریروی

واج آرایی سین و پ،

تشبیه.

گردد طرف لاله از آن باران بنگار

۳۵- وان قطره باران که چکد از بر لاله

بر گرد عقیق دو لب دلبر عیار

پنداری تبخاله خردک بدمیده‌ست

تکرار،

واج آرایی ب،

تشبیه

چون اشک عروسیست برافتاده به رخسار

۳۶- وان قطره باران که برافتد به گل سرخ

تشبیه،

واج آرایی سین.

چون قطره سیمابست افتاده به زنگار

۳۷- وان قطره باران که برافتد به سر خوید

واج آرایی حرف سین،

تشبیه.

گویی که چکیده‌ست مل زرد به دینار

۳۸- وان قطره باران که برافتد به گل زرد

تشبیه، جناس ناقص بین گل و مل.

چون قطره می بر لب معشوقه میخوار

۳۹- وان قطره باران که چکد بر گل خیری

تشبیه

چون نقطه سفیداب بود از بر طومار

۴۰- وان قطره باران که برافتد به سمنبرگ

تشبیه.

همچون شرر مرده فراز علم نار

۴۱- وان قطره باران ز بر لاله احمر

تشبیه.

تناسب میان شرر و نار

گویی که ثریاست برین گنبد دوار

۴۲- وان قطره باران ز بر سوسن کوهی

تشبیه،

تناسب بین گنبد دوار، ثریا

چون قطره خوی بر زنج لعبت فرخار

۴۳- بر برگ گل نسرين آن قطره دیگر

جناس ناقص افزایشی بین بر و برگ،

تشبیه،

واج آرایي حرف گ.

هر گه که در آن آب چکد قطره امطار

۴۴- آن دایره‌ها بنگر اندر شمر آب

وان دایره آب بسان خط پرگار

چون مرکز پرگار شود قطره باران

تناسب بین امطار و باران،

تشبیه،

تناسب بین دایره و پرگار.

دیدار ز یک حلقه بسی سیمین منقار

۴۵- گردد شمر ایدون چو یکی دام کبوتر

در زیر طبق مانده ز مغناطیس احجار

چون آهن سوده که بود بر طبقی بر

پیش در آن بار خدای همه احرار

این جوی معنبر بر و این آب مصندل

جوyst به دیدار و خلیجست به کردار

گویی که همه جوی، گلابست و رخیقت

تشبیه،

تناسب بین آهن و احجار،

تقسیم،

تناسب بین خلیج و جوی و ...

وز چرخ به نیزه بکند کوکب سیار

۴۶- از تیغ، به بالا بکند موی به دو نیم

تناسب بین تیغ و نیزه.

پیکان پسین ناوک در پیشین سوفار

۴۷_ گر ناوکی اندازد عمدا بنشاند

تناسب بین ناوک، پیکان،

تضاد بین پیشین و پسین.

کافور نخیزد ز درختان سپیدار

۴۸_ از مردم بداصل نخیزد هنر نیک

اسلوب معادله،

تضاد بین بد و نیک

باشی متواضعت، چون باشی جبار

۴۹_ جبارتری چون متواضعت باشی

طرد و عکس،

تکرار.

و ایزد برسانیده سزا را به سزاوار

۵۰_ الحق که سزاوار تو بوده‌ست ریاست

تکرار،

واج آرایی حرف سین

وز دیو نگون اختر برده شده آوار

۵۱_ انگشتی جم برسیده‌ست به جم باز

تلمیح به داستان حضرت سلیمان،

تکرار

بادات شب و روز خداوند نگهدار

۵۲_ جبار همه کار به کام تو رسانید

جناس ناقص اختلافی بین کام و کار،

تضاد و تناسب بین شب و روز.

ناصر خسرو قبادیانی: پند حکیمان

۵۳- از فعل منافقی و بی‌باک وز قول حکیمی و خردمند

تضاد،

تناسب بین خردمند و حکیم.

۵۴- پندم چه دهی نخست خود را محکم کمری ز پند ببرند

کمر بستن: کنایه از آماده شدن برای کاری،

جناس ناقص اختلافی بین پند و بند.

۵۵- پند از حکما پذیر ازیراک حکمت پدر است و پند فرزند

تشبیه،

تکرار.

۵۶- زی مرد حکیم در جهان نیست خوشتر به مزه ز قند جز پند

تشبیه مضمّر و تفضیل.

جناس ناقص اختلافی بین پند و قند.

۵۷- پندی به مزه چو قند بشنو بی عیب چو پاره‌ی سمرقند

تشبیه،

جناس ناقص اختلافی بین پند و قند.

۵۸- گندست دروغ از آن حذر کن تا پاک شود دهانت از گند

تضاد بین پاک و گند.

۵۹- آنگوی مرا که دوست داری گر خلق تو را همان بگویند

زیرا که به تیر ماه جو خورد هر کو به بهار جو پراگند

ارسال المثل یا تمثیل،

تناسب.

۶۰- بزداى به عذر زنگ کینه جز عذر درخت کین که برکند؟

اضافه تشبیهی: زنگ کینه و درخت کین.

۶۱_ بر فعل چو زهر نیست پازهر جز قول چو نوش پخته با قند

تشبیه در هر دو مصراع،

تضاد بین زهر و پازهر و زهر و قند،

تناسب بین نوش و قند.

۶۲_ با پند چو در و شعر حجت منگر به کتاب زند و پازند

تشبیه در مصراع اول.

سنای غزنوی: اعتبار و اعتذار

۶۳_ ای خداوندان مال الاعتبار الاعتبار ای خداخوانان قال الاعتذار الاعتذار

تکرار جهت تاکید،

واج آرایبی الف.

۶۴_ پیش از آن کاین جان عذر آور فرو میرد ز نطق
پیش از آن کاین چشم عبرت بین فروماند ز
کار

پند گیرید ای سیاهی تان گرفته جای پند عذر آرید ای سپیدی تان دمیده بر عذار

ابیات موقوف المعانی هستند،

بیت اول: موازنه،

بیت دوم: تکرار، سپیدی بر عذار دمیدن: کنایه از پیر شدن.

تناسب بین عذر و پند،

سیاهی و سپیدی: تناسب و تضاد.

۶۵_ ای ضعیفان از سپیدی موی تان شد همچو شیر وی ظریفان از سیاهی روی تان شد همچو قار

موازنه،

تشبیه در دو مصراع،

تضاد بین شیر و قار و سپیدی و سیاهی.

۶۶_ پرده‌تان از چشم دل برداشت صبح رستخیز پنبه تا از گوش بیرون کرد گشت روزگار

پرده برداشتن: کنایه از آشکار کردن،

پنبه از گوش درآوردن: کنایه از آگاه کردن،

چشم دل: اضافه استعاری.

۶۷_ تا کی از دارالغروری ساختن دارالسرور تا کی از دارالفراری ساختن دارالقرار

موازنه،

واج آرایی حرف الف.

۶۸_ در فریب آباد گیتی چند باید داشت حرص چشمتان چون چشم نرگس دست چون دست

چنار

فریب آباد گیتی: اضافه تشبیهی،

چشم نرگس: اضافه استعاری،

چشم چون چشم نرگس و دست چون دست چنار: تشبیه.

۶۹_ از جهان نفس بگریزید تا در کوی عقل آنچه غم بودست گردد مر شما را غمگسار

تضاد بین جهان نفس و عقل،

کوی عقل: اضافه تشبیهی

۷۰_ در جهان شاهان بسی بودند کز گردون ملک تیرشان پروین گسل بود و سنان جوزا فگار

تناسب بین گردون و پروین و جوزا،

تناسب بین سنان و تیر،

اغراق حماسی.

۷۱_ بنگرید اکنون نبات‌النعش وار از دست مرگ نیزه‌هاشان شاخ شاخ و تیرهاشان پار پار

تشبیه،

تکرار،

واج آرایی الف.

۷۲_ می‌نبینند آن سفیهانی که ترکی کرده اند همچو چشم تنگ ترکان گور ایشان تنگ و تار
تشبیه،

واج آرایی مصوت کوتاه کسره در مصراع دوم و واج آرایی حرف گاف.

۷۳_ بنگرید آن جعدشان از خاک چون پشت کشف بنگرید آن رویشان از چین چو پشت سوسمار
تشبیه در هر دو مصراع،

موازنه

تناسب بین روی و جعد و پشت،

تناسب بین کشف و سوسمار.

۷۴_ سر به خاک آورد امروز آنکه افسر بود دی تن به دوزخ برد امسال آنکه گردن بود پار
موازنه،

تناسب بین سر و گردن تن.

۷۵_ اندرین زندان برین دندان زنان سگ صفت روزکی چند ای ستم کش صبر کن دندان فشار
زندان: استعاره از دنیا

واج آرایی دال و ز

تکرار دندان

دندان فشردن: کنایه از تحمل کردن

۷۶_ تا ببینی روی آن مردم کشان چون زعفران تا ببینی رنگ آن محنت کشان چون گل انار
موازنه

تشبیه در هر دو مصراع

تناسب بین گل و زعفران و انار

۷۷_ گرچه آدم صورتان سگ صفت مستولی اند هم کنون بینی که از میدان دل عیاروار

تضاد بین صورت و صفت

میدان دل: اضافه تشبیهی

تشبیه.

۷۸_ جوهر آدم برون تازد برآرد ناگهان زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار

سگان آدمی: پارادوکس

تناسب بین سگ و خر.

۷۹_ گر مخالف خواهی ای مهدی درآ از آسمان ور موافق خواهی ای دجال یک ره سر برآر

تلمیح به آخرت و ظهور حضرت مهدی و نیرنگ سازی دجال

تضاد بین موافق و مخالف

۸۰_ یک طپانچه مرگ و زین مردارخواران یک جهان یک صدای صور و زین فرعون طبعان صدهزار

موازنه

تلمیح

۸۱_ باش تا از صدمت صور سرافیلی شود صورت خوبت نهان و سیرت زشت آشکار

تضاد بین صورت و سیرت، نهان و آشکار، خوب و زشت

واج آرایی حرف سین.

۸۲_ تا ببینی موری آن خس را که می‌دانی امیر تا ببینی گرگی آن سگ را که می‌خوانی عیار

تشبیه مضمیر

موازنه

تناسب بین گرگ و سگ.

۸۳_ در تو حیوانی و روحانی و شیطانی درست در شمار هرکه باشی آن شوی روز شمار

واج آرایی حرف شین

تضاد بیت حیوانی و روحانی و شیطانی.

۸۴_ والله ار داری به جز بادی به دست ار مر تو را جز به خاک پای مشتی خاکسار است افتخار

باد به دست داشتن: کنایه از تهی دست بودن و چیزی نداشتن

تناسب بین باد و خاک

واج آرایی حرف ر و خ

۸۵_ باش تا کل بینی آن ها را که امروزند جزو باش تا گل یابی آن ها را که امروزند خار

تضاد بین جزو و کل

موازنه

جناس ناقص اختلافی بین گل و کل

۸۶_ آن عزیزانی که آنجا گلبنان دولتند تا نداری خوارشان بدینجا خیره همچون خار خوار

جناس لفظ بین خار و خوار

تشبیه

واج آرایی حرف خ

۸۷_ گلبنی کاکنون تو را هیزم نمود از جور دی باش تا در جلوهش آرد دست انصاف بهار

تضاد بین گلبن و هیزم، دی و بهار

دست انصاف: اضافه اقترانی

۸۸_ ور بقا خواهی ز درویشان طلب ایرا بود بود درویشان قباهای بقا را پود و تار

جناس ناقص اختلافی بین بود و پود

تناسب بین تار و پود

جناس قلب بین بقا و قبا

۸۹_ هست دل یکتا مجویش در دو گیتی زان که نیست در نه و در هشت و هفت و در شش و پنج و چهار

سیاقه الاعداد

واج آرایی موصل کوتاه ضمه

۹۰_ نیست یک رنگی به زیر هفت و چار از بهر آنک ار گل است اینجای با خار است ور مل با خمار

ارسال المثل یا تمثیل

واج آرایی الف

جناس ناقص اختلافی بین گل و مل

جناس ناقص افزایشی بین خار و خمار

۹۱- تا به جان این جهانی زنده چون دیو و ستور گرچه پیری همچو دنیا خویشتن کودک شمار

جناس ناقص افزایشی بین جان و جهان

تضاد بین کودک و پیر

۹۲- حرص و شهوت در تو بیدارند خوش خوش تو مخسب چون پلنگی بر یمین داری و موشی بر یسار

لف و نشر

تکرار

تضاد بین یمین و یسار

۹۳- گرد خرسندی و بخشش گرد زیر جمع و طمع کودکان را خربزه گرم است و پیران را خیار

جناس ناقص اختلافی بین جمع و طمع

تناسب بین خربزه و خیار

تضاد بین پیران و کودکان

۹۴- عاشقان را خدمت معشوق تشریف است و بر عاقلان را طاعت معبود تکلیف است و بار

جناس ناقص افزایشی بین بر و بار

موازنه

۹۵- هرچه دشوار است بر تو هم ز باد و بود توست ورنه عمر آسان گذارد مردم آسان گذار

جناس ناقص اختلافی بین باد و بود

تضاد بین دشوار و آسان

۹۶- از دورن جان برآمد نخوت و حرص و حسد تا گز و سیمرغ و رستم گشت بر اسفندیار

تلمیح

واج آرای مصوت کوتاه ضمه

تناسب.

انوری ابیوردی: نامه اهل خراسان

۹۷_ به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر نامه‌ی اهل خراسان به بر خاقان بر

تشخیص (استعاره مکنیه) در منادا قرار دادن باد سحر

واج آرایی حرف ب

۹۸_ نامه ای مطلع آن رنج تن و آفت جان نامه ای مقطع آن درد دل و سوز جگر

موازنه

تضاد بین مقطع و مطلع

۹۹_ نامه ای بر رقمش آه عزیزان پیدا نامه ای در شکنش خون شهیدان مضمّر

موازنه

تضاد بین پیدا و مضمّر

۱۰۰_ ریش گردد ممر صوت ازو گاه سماع خون شود مردمک دیده ازو وقت نظر

اغراق

ممر صوت: کنایه از گوش

تناسب بین ممر صوت و مردمک دیده

۱۱۰_ نی نبودست که پوشیده نباشد بر وی ذره ای نیک و بد نه فلک و هفت اختر

واج آرایی حرف نون

تضاد بین نیک و بد

۱۱۱_ خسرو عادل خاقان معظم کز جد پادشاه است و جهاندار به هفتاد پدر

جد: در معنای پدربزرگ با پدر ایهام تناسب دارد.

۱۱۲_ بازخواهد ز غزان کینه که واجب باشد خواستن کین پدر بر پسر خوب سیر

واج آرایی حرف سین

تناسب بین پدر و پسر

۱۱۳_ چون شد از عدلش سرتاسر توران آباد کی روا دارد ایران را ویران یکسر

ایران و ویران: جناس ناقص اختلافی

۱۱۴- ای کیومرث لقا پادشه کسری عدل وی منوچهر لقا خسرو افریدون فر

تناسب بین اسامی پادشاهان

تلمیح

موازنه

۱۱۵- این دل افگار جگرسوختگان می گویند که ای دل و دولت و دین را به تو شادی و ظفر

واج آرایی دال

آرایه‌ی جمع در مصراع دوم

۱۱۶- خبرت هست کزین زیر و زبر شوم غزان نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر زبر

جناس ناقص اختلافی بین زیر و زبر

تکرار

تضاد بین زیر و زبر

۱۱۷- بر بزرگان زمانه شده خردان سالار بر کریمان جهان گشته لثیمان مهتر

تضاد بین کریمان و لثیمان

تناسب بین کریمان و بزرگان

موزانه

۱۱۸- بر در دونان احرار حزین و حیران در کف رندان ابرار اسیر و مضطر

جناس ناقص اختلافی بین بر و در

واج آرایی حرف ح و ر

موازنه

۱۱۹- خطبه نکنند به هر خطه به نام غز از آنک در خراسان نه خطیب است کنون نه منبر

تناسب بین خطبه و منبر و خطیب

جناس اشتقاق بین خطبه و خطیب

۱۲۰- بر مسلمانان زان نوع کنند استخفاف که مسلمان نکند صد یک آن با کافر

تضاد بین مسلمان و کافر

۱۲۱- خلق را زین غم فریادرس از شاه نژاد ملک را زین ستم آزاد کن ای پاک سیر

موازنه

۱۲۲- به خدایی که بیاراست به نامت دینار به خدایی که بیفراخت به فرت افسر

موازنه

تناسب بین افسر و فر

۱۲۳- که کنی فارغ و آسوده دل خلق خدا زین فرومایه غز شوم پی غارتگر

مصراع دوم: تنسیق الصفات

واج آراییی مصوت کوتاه کسره

۱۲۴- وقت آن است که یابند ز رحمت پاداش گاه آن است که گیرند ز تیغت کیفر

موازنه

۱۲۵- زن و فرزند و زر جمله به یک جمله چو پار بردی امسال روانشان به دگر حمله ببر

جناس خط در جمله و جمله

تضاد بین پار و امسال

تصدیر بر پایه‌ی جمله

۱۲۶- آخر ایران که ازو بودی فردوس به رشک وقف خواهد شد تا حشر برین شوم حشر

حشر: مجاز از قیامت

حشر و حشر: جناس ناقص حرکتی

۱۲۷- رحم کن رحم بر آن قوم که رسوا گشتند از پس آنکه به مستوری بودند سمر

واج آراییی سین

تکرار جهت تاکید

۱۲۸- خلق را زین حشر شوم اگر برهانی کردگارت برهاند ز خطر در محشر

جناس ناقص افزایشی بین محشر و حشر

۱۲۹- هم بران گونه که استاد سخن عمیق گفت: خاک خون آلود ای باد به اصفهان بر

تضمین

خاقانی شروانی: ایوان مداین

۱۳۰- هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان ایوان مداین را آینه‌ی عبرت دان

تشبیه مضمّر

آینه‌ی عبرت: اضافه‌ی استعاری

۱۳۱- یک ره ز لب دجله منزل به مداین کن وز دیده دوم دجله بر خاک مداین ران

دجله و دجله: جناس تام (دجله دوم به معنی اشک است).

مصراع دوم: کنایه از بسیار گریستن

اغراق

۱۳۲- خود دجله چنان گرید صد دجله‌ی خون گویی کز گرمی خونا بش آتش چکد از مژگان

استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۳۳- بینی که لب دجله چون کف به دهان آرد؟ گویی ز تف آهش لب آبله زد چندان

استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۳۴- از آتش حسرت بین بریان جگر دجله خود آب شنیدستی کآتش کندش بریان؟

استعاره مکنیه (تشخیص)

مصراع دوم: پارادوکس

۱۳۵- تا سلسله‌ی ایوان بگسست مداین را در سلسله شد دجله چون سلسله شد پیچان

حسن تعلیل: امواج خروشان دجله به سبب گستن ایوان مداین است.

تلمیح

در سلسله شدن: استعاره از پیچ و شکن های دجله و کنایه از دیوانه شدن.

تشبیه در مصراع دوم

۱۳۶- گه گه به زبان اشک آواز ده ایوان را تا بو که به گوش دل پاسخ شنوی ز ایوان

زبان اشک: اضافه استعاری

گوش دل: اضافه استعاری

۱۳۷- دندانهای هر قصری پندی دهدت نو نو پند سر دندان بهشنو ز بن دندان

دندان و دندان: جناس ناقص افزایشی

مصراع دوم: کنایه از از صمیم جان گوش دادن

بین سر و بن: ایهام تضاد

۱۳۸- گوید که تو از خاکی ما خاک تو ایم اکنون گامی دو سه بر ما نه و اشکی دو سه هم بفشان

از خاک بودن: ایهام: ۱- بی ارزش بودن ۲- از جنس خاک بودن

۱۳۹- از نوحه‌ی جغد الحق ماییم به درد سر از دیده گلابی کن درد سر ما بنشان

گلاب: استعاره از اشک

۱۴۰- آری چه عجب داری کاندلر چمن گیتی جغد است پی بلبل نوحه‌ست پی الحان

چمن گیتی: اضافه تشبیهی

تضاد بین نوحه و الحان

تناسب بین بلبل و چمن

۱۴۱- گویی که نگون کرده‌ست ایوان فلک وش را حکم فلک گردان یا حکم فلک گردان

فلک گردان: جناس مرکب

واج آرایی حرف کاف

۱۴۲- نی زال مداین کم از پیرزن کوفه نی حجره تنگ این کمتر ز تنور آن

تلمیح به داستان پیرزن و طوفان حضرت نوح

۱۴۳- این هست همان صفه کز هیبت او بردی بر شیر فلک حمله شیر تن شادروان

شیر: جناس تام

حمله بردن شیر تن شادروان: استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۴۴_ پندار همان عهد است از دیده‌ی فکرت بین در سلسله‌ی درگه در کوکبه‌ی میدان

دیده‌ی فکرت بین: اضافه استعاری یا تشبیهی

۱۴۵_ از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه زیر پی پیلش بین شه‌مات شده نعمان

نطع زمین: تشبیه صریح

تلمیح به داستان نعمان

شه‌مات شدن: کنایه از درمانده شدن و در دام افتادن

۱۴۶_ نی نی که چو نعمان بین پیل افکن شاهان را پیلان شب و روزش گشته به پی دوران

پیلان شب و روز: اضافه تشبیهی

۱۴۷_ ای بس شه پیل افکن کافکنده به شه پیلی شطرنجی تقدیرش در ماتگه حرمان

پیل افکن: کنایه از قدرتمند

شطرنجی تقدیر: اضافه تشبیهی

ماتگه حرمان: اضافه تشبیهی

۱۴۸_ مست است زمین زیرا خورده‌ست به جای می در کاس سر هرمز خون دل نوشروان

استعاره مکنیه (تشخیص)

کاس سر: اضافه تشبیهی

۱۴۹_ کسری و ترنج زر پروین و به زرین بر باد شده یکسر با خاک شده یکسان

تلمیح

مصراع دوم: کنایه از از بین رفتن و نابود شدن

۱۵۰_ پرویز کنون گم شد زان گم شده کمتر گو زرین تره کو بر خوان؟ رو کم ترکوا برخوان

کم ترکوا: تضمین از آیه‌ی قرآن

واج آرایی کاف

۱۵۱_ گف‌تی که کجا رفتند آن تاجوران اینک زایشان شکم خاک است آبستن جاویدان

استعاره مکنیه (تشخیص)

دشوار بود زادن نطفه ستن آسان

۱۵۲- بس دیر همی زاید آبستن خاک آری

استعاره مکنیه (تشخیص)

تضاد

تناسب بین زادن و نطفه و آبستن

۱۵۳- خون دل شیرین است آن می که دهد رزبن ز آب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان

تلمیح به داستان شیرین و خسرو

خون دل شیرین است: تشبیه مضمیر

دهقان: ایهام تناسب با پرویز

۱۵۴- چندین تن جباران کاین خاک فرو خورده‌ست این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد ز ایشان

گرسنه چشم: کنایه از حریص

۱۵۵- از خون دل طفلان سرخاب رخ آمیزد این زال سپید ابرو وین مام سیه پستان

سرخاب ریختی از سهراب است و با زال ایهام تناسب دو سویه دارد.

مصراع دوم: استعاره از روزگار

۱۵۶- خاقانی از این درگه دریوزهی عبرت کن تا از در تو ز آن پس دریوزه کند خاقان

تصدیر

واج آرایی زال

خاقان و خاقانی: جناس ناقص افزایشی

۱۵۷- اخوان که ز ره آیند آرند ره آوردی این قطعه ره آورد است از بهر دل اخوان

واج آرایی مصوت بلند آ

تصدیر

محمد تقی بهار: دماوندیه

۱۵۸- ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند

دیو سپید و گنبد گیتی: استعاره از دماوند

استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۵۹- از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند

سیم: استعاره از برف

آهن: استعاره از سنگ‌های دماوند

۱۶۰- تا چشم بشر نیندت روی بنهفته به ابر چهر دل بند

حسن تعلیل

استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۶۱- تا واره‌ی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند

تشبیه در مصرع دوم

ستوران: استعاره از مردم نادان

۱۶۲- با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند

استعاره مکنیه (تشخیص)

تناسب بین شیر سپهر و اختر سعد

۱۶۳- چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند

واج آرایی مصوت کوتاه ضمه

استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۶۴- بنواخت ز خشم بر فلک مشت آن مشت تویی تو ای دماوند

استعاره مکنیه (تشخیص)

تکرار جهت تاکید

۱۶۵- تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند

تشبیه صریح

واج آرایی حرف شین

۱۶۶- ای مشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند

تضاد بین زمین و آسمان

مشت زمین: استعاره از دماوند

۱۶۷- تو قلب فسرده‌ی زمینی

تشبیه صریح در مصراع اول

حسن تعلیل در مصراع دوم

۱۶۸- تا درد و ورم فرو نشیند

کافور بر آن ضماد کردند

حسن تعلیل

تناسب بین درد و ورم و کافور

۱۶۹- شو منفجر ای دل زمانه

وان آتش خود نهفته می‌پسند

دل زمانه: استعاره از دماوند

۱۷۰- پنهان مکن آتش درون را

زین سوخته جان شنو یکی پند

آتش درون: استعاره از خشم درونی (شعله‌های آتش کوه آتشفشان)

سوخته جان: کنایه از گوینده‌ی مطلب

۱۷۱- گر آتش دل نهفته داری

سوزد جانت به جانت سوگند

آتش دل: استعاره از غم و خشم

۱۷۲- بر ژرف دهانت سخت بندی

بر بسته سپهر نیو پر فند

استعاره مکنیه (تشخیص)

۱۷۳- من بند دهانت بر گشایم

ور بگشایند بندم از بند

بند: جناس تام

مصراع دوم: کنایه از نابود کردن

۱۷۴- از آتش دل برون فرستم

برقی که بسوزد آن دهان بند

آتش دل: استعاره از خشم

اغراق

۱۷۵- آزاد شوی و برخوردی / مانده‌ی دیو جسته از بند

تشبیه

۱۷۶- هرای تو افکند زلازل / از نیشابور تا نهاوند

اغراق

۱۷۷- وز برق تنورهات بتابد / ز البرز اشعه تا به الوند

اغراق

۱۷۸- ای مادر سر سپید بشنو / این پند سیه بخت فرزند

مادر سر سپید: استعاره از دماوند

پارادوکس (مادر از فرزند پند بشنود.)

۱۷۹- برکش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند

سپید معجر: استعاره از برف‌ها.

مصراع اول: کنایه از رها کردن ماتم و غم

۱۸۰- بگرای چو ازدهای گرز / بخروش چو شرزه شیر ارغند

تشبیه در دو مصراع

۱۸۱- ترکیبی ساز بی مماثل / معجونی ساز بی همانند

موازنه

۱۸۲- از نار و سعیر و گاز و گوگرد / از دود حمیم و بخره و گند

تناسب

واج آرای مصوت کوتاه ضمه

۱۸۳- از آتش آه خلق مظلوم / وز شعله‌ی کیفر خداوند

آتش آه: اضافه تشبیهی

شعله‌ی کیفر: اضافه‌ی استعاری یا تشبیهی

۱۸۴- زان گونه که بر مدینه عاد / صرصر شرر عدم پراکند

تلمیح

شرر عدم: اضافه‌ی تشبیهی

۱۸۵- برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند

واج آرایی حرف ب

بنای ظلم: اضافه استعاری

۱۸۶- زین بی‌خردان سفلہ بستان داد دل مردم خردمند

تضاد بین سفلہ و خردمند

مهدی اخوان ثالث: کهن بوم و بر

۱۸۷- تو را ای کهن پیر جاوید برنا تو را دوست دارم اگر دوست دارم

کهن پیر برنا: پارادوکس

واج آرایی مصوت کوتاه کسره

۱۸۸- اگر قول افسانه یا متن تاریخ وگر نقد و نقل سیر دوست دارم

جناس ناقص اختلافی بین نقد و نقل

واج آرایی حرف قاف

۱۸۹- اگر خامه تیشه‌ست و خط نقر در سنگ بر اوراق کوه و کمر دوست دارم

تناسب بین کوه و کمر و تیشه

تشبیه صریح در مصراع اول

اوراق کوه: اضافه تشبیهی

۱۹۰- گمان های تو چون یقین می‌ستایم عیان های تو چون خبر دوست دارم

تضاد بین یقین و گمان

موازنه

۱۹۱- هم ارمزد و هم ایزدانت پرستم هم آن فره و فروهر دوست دارم

تناسب بین فره و فروهر و ایزد

۱۹۲- دلیرانه جان باخت در جنگ بیداد من آن شیردل دادگر دوست دارم

واج آرایی حرف دال و الف

۱۹۳- هم افکار پرشورشان را که اعصار از آن گشته زیر و زبر دوست دارم

جناس ناقص اختلافی بین زیر و زبر

۱۹۴- ز فردوسی آن کاخ افسانه کافراخت در آفاق فخر و ظفر دوست دارم

کاخ افسانه‌ی فردوسی: استعاره از شاهنامه

آفاق فخر: اضافه تشبیهی

۱۹۵- ور آن شیفته‌ی شمس شور و شراری که جان را کند شعله ور دوست دارم

واج آرایی حرف شین

۱۹۶- ز سعدی و از حافظ و از نظامی همه شور و شعر و سمر دوست دارم

واج آرایی حرف الف و ر

۱۹۷- خوشا رشت و گرگان و مازندران که‌شان همچو بحر خزر دوست دارم

تناسب در مصراع اول

۱۹۸- خوشا حوزه‌ی شرب کارون و اهواز که شیرین ترش از شکر دوست دارم

واج آرایی حرف شین

تناسب

۱۹۹- بر و بوم کرد و بلوچ تو را چون درخت نجابت ثمر دوست دارم

تناسب بین درخت و ثمر، کرد و بلوچ

درخت نجابت ثمر: تشبیه

۲۰۰- خوشا طرف کرمان و مرز جنوب که‌شان خشک و تر بحر و بر دوست دارم

تضاد بین بر و بحر و خشک و تر

جناس ناقص اختلافی بین بر و تر

جناس ناقص افزایشی بین بر و بحر

۲۰۱- من افغان هم ریشه مان را که باغی است به جنگ بتر ا تتر دوست دارم

جناس ناقص اختلافی بین بتر و تتر

تشبیه صریح در مصراع اول

۲۰۲- نه شرقی نه غربی نه تازی شدن را برای تو ای بوم و بر دوست دارم

تضاد بین شرق و غرب

غزل:

۲۰۳- میان معرکه لبخند می‌زنید به عشق حماسه چون به غزل ختم می‌شود زیباست

استعاره مکنیه (تشخیص)

شهید بلخی: نخستین غزل پارسی

۲۰۴- شنیده ام که بهشت آن کسی تواند یافت که آرزو برساند به آرزومندی

واج آرایبی الف

۲۰۵- هزار کبک ندارد دل یکی شاهین هزار بنده ندارد دل خداوندی

تناسب بین کبک و شاهین

اسلوب معادله

دل: مجاز از جرئت

۲۰۶- تو را اگر ملک چینیان بدیدی روی نمار بردی و دینار برپراکندی

نماز برن: کنایه از سجده کردن و تعظیم کردن

۲۰۷- به منجنیق عذاب اندرم چو ابراهیم به آتش حسراتم فکند خواهندی

منجنیق عذاب و آتش حسرت: اضافه تشبیهی

تلمیح

۲۰۸- تو را سلامت باد ای گل بهار و بهشت که سوی قبله‌ی رویت نماز خوانندی

واج آرایبی حرف الف

تناسب بین گل و بهار

قبله‌ی رو: اضافه‌ی تشبیهی

گل بهار و بهشت: استعاره از محبوب

رودکی: هرچه بادا باد

۲۰۹- شاد زی با سیاه چشمان شاد که جهان نیست جز فسانه و باد

تصدیر

جناس ناقص اختلافی بین شاد و باد

واج آرایبی الف

۲۱۰- ز آمده شادمان ببايد بود وز گذشته نکرد بايد ياد

تضاد بین آمده و گذشته

۲۱۱- من و آن جعدموی غاليه بو من و آن ماه روی حور نژاد

جعدموی غاليه بو و ماه روی حور نژاد: استعاره از محبوب

۲۱۲- نيکبخت آن کسی که داد و بخورد شوربخت آن که او نه خورد و نه داد

تضاد

تکرار

۲۱۳- باد و ابر است اين جهان فسوس باده پيش آر هرچه بادا باد

باد و باد: جناس تام

باد و بادا: جناس ناقص افزایشی

باد و باده: جناس ناقص افزایشی و بادا و باده: جناس ناقص اختلافی

تشبیه صریح در مصراع اول

دقیقی: زلفکان تو

۲۱۴- شب سیاه بدان زلفکان تو ماند سپیدروز به پاکی رخان تو ماند

تشبیه تفضیل در هر دو مصراع

۲۱۵- عقیق را چو بسایند نیک سوده‌گران که آبدار بود با لبان تو ماند

تشبیه تفضیل

تناسب بین عقیق و ساییدن و سوده گر

۲۱۶- به بوستان ملوکان هزار گشتم بیش گل شکفته به رخسارگان تو ماند

تشبیه تفضیل

تناسب بین بوستان و گل

اغراق

۲۱۷- دو چشم آهو و دو نرگس شکفته به بار درست و راست بدان چشمکان تو ماند

تشبیه تفضیل

۲۱۸- کمان بابلیان دیدم و طرازی تیر که برکشیده بود به ابروان تو ماند

تشبیه تفضیل

تناسب بین تیر و کمان

۲۱۹- تو را به سرو این بالا قیاس نتوان کرد که سرو را قد و بالا بدان به تو ماند

تشبیه تفضیل

اغراق

سنایی: عاشق نشوید

۲۲۰- هرگز نبرید نام عاشق تا دفتر عشق برنخوانید

دفتر عشق: اضافه تشبیهی

جناس اشتقاق بین عشق و عاشق

۲۲۱- آب رخ عاشقان مرزید تا آب ز چشم خود مرانید

جناس تام در دو آب

حسن غزنوی: تو بی ما چگونه ای

۲۲۲- ای آرزوی دیده‌ی بینا چگونه ای وی مونس دل من تنها چگونه ای

آرزوی دیده‌ی بینا و مونس دل: استعاره از محبوب

۲۲۳- ای ناز ناز کی اگر اینجا نیامدی باری یکی بگوی که آنجا چگونه ای؟

واج آرایی الف

۲۲۴- دل هدیه‌ی تو کردم آن را نخواستی جان تحفه می‌فرستم آن را چگونه ای؟

تناسب بین دل و جان، هدیه و تحفه

۲۲۵- ای نور چشم مهر و گل بوستان حسن ما بی تو درهمیم تو بی ما چگونه ای؟

نور چشم مهر: اضافه استعاری

بوستان حسن: اضافه تشبیهی

مصراع اول استعاره از محبوب

۲۲۶- از وصل تو که نیست دریغا در آتشم در هجر من که هست مبادا چگونه ای؟

تضاد بین وصل و هجر

۲۲۷- ما خود جهان گرفتیم از پیش عاشقی در سلسله تو ای دل شیدا چگونه ای؟

استعاره مکنیه (تشخیص)

انوری ابیوردی: بس زود برفتی

۲۲۸- ای دیر به دست آمده بس زود برفتی آتش زدی اندر من و چون دود برفتی

تضاد بین زود و دیر

در کسی آتش زدن: کنایه از بسیار پریشان کردن

تشبیه در مصراع دوم

۲۲۹- چون آرزوی تنگدلان دیر رسیدی چون دوستی سنگ دلان زود برفتی

تشبیه در هر دو مصراع

۲۳۰- زان پیش که در باغ وصال تو دل من از داغ فراق تو بر آسود برفتی

باغ وصال: اضافه تشبیهی

جناس ناقص اختلافی بین باغ و داغ

عطار نیشابوری: امشب نیم مست

۲۳۱- تا کی از تزویر باشم خودنمای تا کی از پندار باشم خودپرست؟

موازنه

۲۳۲- پرده‌ی پندار می‌باید درید توبه‌ی زهاد می‌باید شکست

پرده‌ی پندار: اضافه‌ی تشبیهی

پرده دریدن: کنایه از بی‌آبرو کردن

موازنه

۲۳۳- مشتری را خرقة از سر برکشیم زهره را تا حشر گردانیم مست

استعاره مکنیه (تشخیص)

تناسب بین مشتری و زهره

۲۳۴- پس چو عطار از جهت بیرون شویم بی‌جهت در رقص آییم از الست

تشبیه در مصراع اول

مولوی بلخی: صورتگر نقاشم

۲۳۵- صورتگر نقاشم هر لحظه بتی سازم وانگه همه بت‌ها را در پیش تو بگذازم

تناسب بین صورتگر و نقاش و بت

۲۳۶- تو ساقی خماری یا دشمن هشیاری یا آنکه کنی ویران هر خانه که می‌سازم

تضاد بین هشیار و خمار

۲۳۷- جان ریخته شد بر تو آمیخته شد با تو چون بوی تو دارد جان جان را هله بنوازم

بو: ایهام: ۱- آرزو ۲- رایحه

۲۳۸- هر خون که ز من روید با خاک تو می‌گوید با مهر تو هم‌رنگم با عشق تو انبازم

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲۳۹- در خانه‌ی آب و گل بی‌توست خراب این دل یا خانه درآ جانا یا خانه بپردازم

تکرار

خانه‌ی آب و گل: استعاره از جسم یا دنیای مادی

جناس ناقص اختلافی بین دل و گل

مولوی بلخی: من غلام قمرم

۲۴۰_ سخن رنج مگو جز سخن گنج مگو ور ازین بی خبری رنج مبر هیچ مگو

جناس ناقص اختلافی بین رنج و گنج

تکرار

واج آرایی حرف میم

۲۴۱_ دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت: آمدم نعره مزین جامه مدر هیچ مگو

جامه دریدن: کنایه از بی‌قراری کردن بسیار

استعاره مکنیه (تشخیص)

واج آرایی حرف شین و میم

۲۴۲_ قمری جان صفتی در ره دل پیدا شد در ره دل چه لطیف است سفر هیچ مگو

قمر: استعاره از محبوب

تکرار

۲۴۳_ گفتم ای دل چه مه‌ست این دل اشارت می‌کرد که نه اندازه‌ی تست این بگذر هیچ مگو

استعاره مکنیه (تشخیص)

مه: استعاره از محبوب

۲۴۴_ گفتم این چیست بگو زیر و زبر خواهیم شد گفت می‌باش چنین زیر و زبر هیچ مگو

جناس ناقص اختلافی بین زیر و زبر

تکرار

۲۴۵_ گفتم ای دل پدری کن نه که این وصف خداست؟ گفت این هست ولی جان پدر هیچ مگو

جان پدر: ایهام دوگانه خوانی

استعاره مکنیه (تشخیص)

مولوی بلخی: شکر خندیدن

۲۴۶- جنتی کرد جهان را ز شکر خندیدن آن که آموخت مرا همچو شرر خندیدن

تشبیه صریح در مصراع اول

تشبیه در مصراع دوم

واج آرایه حرف الف

۲۴۷- گرچه من خود ز عدم دلخوش و خندان زادم عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲۴۸- بی جگر داد مرا شه دل چون خورشیدی تا نمایم همه را بی ز جگر خندیدن

تکرار

تشبیه در مصراع اول

۲۴۹- به صدف مانم خندم چو مرا در شکنند کار خامان بود از فتح و ظفر خندیدن

تشبیه در مصراع اول

۲۵۰- یک شب آمد به وثاق من و آموخت مرا جان هر صبح و سحر همچو سحر خندیدن

تشبیه در مصراع دوم

تکرار

واج آرایه سین

۲۵۱- گر ترش روی چو ابرم ز درون خندانم عادت برق بود بعد مطر خندیدن

تشبیه در مصراع اول

اسلوب معادله

تضاد بین ترش رو و خندان

تناسب بین برق و مطر و ابر

۲۵۲- چون به کوره گذری خوش به زر سرخ نگر تا در آتش تو ببینی ز حجر خندیدن

تناسب بین کوره و زر و حجر و آتش

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲۵۳- زر در آتش چو بخندید تو را می گوید گر نه قلبی بنما وقت ضرر خندیدن

تناسب بین زر و قلب و آتش

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲۵۴- ای منجم اگر ت شق قمر باور شد بایدت بر خود و بر شمس و قمر خندیدن

تضاد بین شمس و قمر

تلمیح

۲۵۵- همچو غنچه تو نهان خند و مکن همچو نبات وقت اشکوفه به بالای شجر خندیدن

تشبیه

تناسب بین شکوفه و شجر و غنچه

مولوی بلخی: غلام آفتاب

۲۵۶- چو غلام آفتابم هم از آفتاب گویم نه شیم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

تکرار

تناسب بین شب و خواب

۲۵۷- به قدم چو آفتابم به خرابه ها بتابم بگریزم از عمارت سخن خراب گویم

تضاد بین خرابه و عمارت

تشبیه در مصراع اول

واج آرایی حرف ب

۲۵۸- چو ز آفتاب زادم به خدا که کیقبادم نه به شب طلوع سازم نه ز ماهتاب گویم

تناسب بین آفتاب و طلوع و ماهتاب

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲۵۹- من اگرچه سیب شیبم ز درخت بس بلندم من اگر خراب و مستم سخن صواب گویم

تشبیه صریح در مصراع اول

تضاد بین شیب و بلند

تناسب بین سب و درخت

جناس ناقص اختلافی بین سب و شیب

۲۶۰_ بگشا نقاب از رخ که رخ تو هست فرخ تو روا مبین که با تو ز پس نقاب گویم

جناس ناقص افزایشی بین رخ و فرخ

تکرار

واج آرایی حرف خ

۲۶۱_ چو دلت چو سنگ باشد پر از آتشم چو آهن تو چو لطف شیشه گیری قدح و شراب گویم

تشبیه در هر دو مصراع

تناسب

۲۶۲_ ز جبین زعفرانی کر و فر لاله گویم به دو چشم ناودانی صفت سحاب گویم

چشم ناودان: اضافه تشبیهی

۲۶۳_ چو رباب از او بنالد چو کمانچه رو درافتم چو خطیب خطبه خواند من از آن خطاب گویم

تناسب بین رباب و کمانچه

واج آرایی حرف خ

تناسب و جناس اشتقاق بین خطیب و خطال و خطبه

استعاره مکنیه (تشخیص)

فخرالدین عراقی: نخستین باده

۲۶۴_ نخستین باده کاندَر جام کردند ز چشم مست ساقی وام کردند

تناسب بین باده و جام و ساقی و مست

۲۶۵_ لب میگون جانان جام در داد شراب عاشقانش نام کردند

تشبیه در مصراع اول

تشبیه مضمَر

۲۶۶- ز بهر صید دل های جهانی کمند زلف خوبان دام کردند

تناسب بین صید و دام و کمند

کمند زلف: اضافه تشبیهی

۲۶۷- چو گوی حسن در میدان فگندند به یک جولان دو عالم رام کردند

گوی حسن: اضافه تشبیهی

تناسب بین گوی و میدان

۲۶۸- ز بهر نقل مستان از لب و چشم مهیا پسته و بادام کردند

لف و نشر

تناسب

۲۶۹- به مجلس نیک و بد را جای دادند به جامی کار خاص و عام کردند

تضاد در هر دو مصراع

سعدی شیرازی: عاشقان بیدل

۲۷۰- شب عاشقان بی دل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

تکرار

واج آرایی حرف شین

در صبح: اضافه استعاری

تضاد بین شب و صبح

۲۷۱- عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد؟

ارسال المثل

تناسب بین کبوتر و باز

واج آرایی حرف کاف

۲۷۲- چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی؟ تو صنم نمی گذاری که مرا نماز باشد

تکرار

صنم: استعاره از محبوب

۲۷۳_ نه چنین حساب کردم چو تو دوست می گرفتم که ثنا و حمد گوئیم و جفا و ناز باشد

تناسب

سعدی شیرازی: یاران به عیش بنشستند

۲۷۴_ درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند جهان جوان شد یاران به عیش بنشستند

تناسب بین درخت و غنچه و بلبل

جناس ناقص اختلافی بین جوان و جهان

واج آرایی الف

۲۷۵_ بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط ز بس که عارف و عامی به رقص برجستند

بساط سبزه: اضافه تشبیهی

پای نشاط: اضافه اقترانی

۲۷۶_ یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند

تناسب

تشبیه مضمر و تفضیل

درخت گل: استعاره از محبوب

۲۷۷_ اگر جهان همه دشمن بود به دولت دوست خبر ندارم ازیشان که در جهان هستند

تضاد بین دوست و دشمن

واج آرایی حرف دال

تصدیر

۲۷۸_ مثال راکب دریاست حال کشته‌ی عشق به ترک بار بگفتند و خویشان رستند

تشبیه در مصراع اول

۲۷۹_ به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری؟ جواب داد که آزادگان تهی دستند

استعاره مکنیه (تشخیص)

حسن تعلیل

۲۸۰- به راه عقل برفتند سعدیا بسیار که راه عالم دیوانگان ندانستند

راه عقل: اضافه استعاری

حافظ شیرازی: انکار شراب

۲۸۱- من و انکار شراب؟ این چه حکایت باشد لاقل این قدرم عقل و کفایت باشد

استعاره تهکمیّه

واج آرایی حرف قاف

۲۸۲- زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد

واج آرایی مصوت کوتاه ضمه

جناس ناقص اختلافی بین نماز و نیاز

۲۸۳- من که شب ها ره تقوی زده ام با دف و چنگ این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد

تناسب بین دف و چنگ

حافظ: کی شعر تر انگیزد

۲۸۴- از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

لعل: استعاره از لب

انگشتی زنهار: اضافه تشبیهی

تلمیح

۲۸۵- در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد

گلاب و گل: جناس اشتقاق و تناسب

لف و نشر

۲۸۶- آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد

تضاد بین پیشین و پسین

حافظ: شهره‌ی شهرم

۲۸۷- منم که شهره‌ی شهرم به عشق ورزیدن منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن

واج آرایی حرف شین و دال

۲۸۸- مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست؟ به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

باغ عالم: اضافه‌ی تشبیهی

با دست مردمک دیده: استعاره مکنیه (تشخیص)

مصراع دوم: کنایه از نگرستن به چهره‌ی محبوب

۲۸۹- به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

نقش بر آب زدن: کنایه

۲۹۰- عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن

عنان تافتن: کنایه از روی برتابیدن

۲۹۱- ز خط یار بیاموز مهر با رخ خوب که گرد عارض خوبان خوش است گردیدن

خط یار: استعاره از موهای رسته بر چهره محبوب

واج آرایی حرف خ

محتشم کاشانی: غزل واسوخت

۲۹۲- الهی افتم از پا تا به خواری بر درت نایم الهی کور گردم تا نبینم روی گل فامت

تشبیه

از پا افتادن: کنایه از ناتوان و ضعیف شدن

۲۹۳- الهی دیده‌ام از سر برون آید که هر ساعت نریزد سیم اشک از آرزوی نقره‌ی خامت

سیم اشک: اضافه تشبیهی

نقره‌ی خام: استعاره از محبوب

۲۹۴- الهی بر تنم صد ناوک آید تا به خاک ره نغلتد هر زمان از حسرت سرو گل اندامت

سرو گل اندام: استعاره از معشوق

گل اندام: تشبیه

۲۹۵- الهی مرغ روحم را بسوزد شهپر قدرت که از دون همتی مسکن نسازد گوشه‌ی بامت

مرغ روح: اضافه تشبیهی

شهر قدر: اضافه استعاری

تناسب بین شهر و مرغ و بام

وحشی بافقی: ز هر کس که بریدیم بریدیم

۲۹۶- رم دادن صید خود از آغاز غلط بود حالا که رماندی و رمیدیم رمیدیم

تکرار

واج آرای میم و ر

۲۹۷- کوی تو که باغ ارم و روضه‌ی خلد است انگار که دیدم ندیدیم ندیدیم

اغراق

تشبیه

تکرار

۲۹۸- صد باغ بهار است و صلا‌ی گل و گلشن گر میوه‌ی یک باغ نچیدیم نچیدیم

تناسب بین باغ و گل و گلشن و میوه

واج آرای الف

۲۹۹- سر تا به قدم تیغ دعاییم و تو غافل هان واقف دم باش رسیدیم رسیدیم

تیغ دعا: اضافه تشبیهی

کلیم کاشانی: قربان آن بناگوش

۳۰۰- قربان آن بناگوش وان برق گوشواره باهم چه خوش نمایند آن صبح و این ستاره

لف و نشر

۳۰۱- چون کار رفت از دست گیرد سپهر دستت دریا غریق مرده افکنده بر کناره

اسلوب معادله

۳۰۲- روز از برم چو رفتی شب آمدی به خوابم این است اگر کی را عمری بود دوباره

تضاد

۳۰۳_ روشندانان ندارند دل بستگی به فرزند بر شعله سهل باشد مهجوری شراره

تناسب بین شراره و شعله

اسلوب معادله

۳۰۴_ با چرخ سرفرازی نتوان ز پیش بردن جایی که سقف پس است نتوان شدن ستاره

اسلوب معادله

۳۰۵_ همچون کلیم دیگر یک نامشخصی کو؟ آگاه و مست غفلت، پرشغل و هیچ کاره

پارادوکس در مصراع دوم

صائب تبریزی: کتاب آدمی

۳۰۶_ نشئه ی عشق الهی را به انسان داده اند گردش این نه خم از جوش شراب آدمی است

نه خم: استعاره از نه فلک

تناسب بین خم و شراب و نشئه

۳۰۷_ شاهد فرزندی آدم نه تنها صورت است هرکه دارد حسن معنی در حساب آدمی است

تضاد بین صورت و معنی

۳۰۸_ وسعت مشرب عبارت از فضای جنت است چشمه ی کوثر همین چشم پر آب آدمی است

تناسب

اغراق

۳۰۹_ نقش بر آب است پیش باد دستی های عشق عقل پرکاری که سر لوح کتاب آدمی است

نقش بر آب بودن: کنایه از بیهوده بودن

باد دستی عشق: استعاره مکنیه (تشخیص)

باد به دست بودن: کنایه

۳۱۰_ دل منه بر مجمر زرین گردون زینهار کاختر سیاره اش اشک کباب آدمی است

مجمر زرین گردون: اضافه تشبیهی

واج آرایی حرف ر

بیدل دهلوی: شوخی رنگ پریده

۳۱۱- ثبات عیش که دارد که چون پر طاووس جهان به شوخی رنگ پریده می ماند

تشبیه

۳۱۲- ز بعد ما نه غزل نی قصیده می ماند ز خامه ها دو سه اشک چکیده می ماند

تناسب بین غزل و قصیده

اشک چکیده: استعاره از کلمات

۳۱۳- شرار ثابت و سیاره دام فرصت کیست؟ فلک به کاغذ آتش رسیده می ماند

تشبیه

تناسب بین شرر و آتش

۳۱۴- کجا بریم غبار جنون که صحرا هم ز گردباد به دامن چیده می ماند

تناسب بین گردبار و غبار و صحرا

غبار جنون: اضافه تشبیهی

تشبیه

۳۱۵- ز غنچه ی دل بلبل سراغ پیکان گیر که شاخ گل به کمان کشیده می ماند

غنچه ی دل بلبل: اضافه تشبیهی

تشبیه در مصراع دوم

تناسب بین بلبل و شاخ گل و غنچه

۳۱۶- غرور آینه ی خجلت است پیران را کمان ز سرکشی خود خمیده می ماند

تشبیه در مصراع اول

استعاره مکنیه (تشخیص)

حسن تعلیل

۳۱۷- هجوم فیض در آغوش ناتوانی هاست شکست رنگ به صبح دمیده می ماند

استعاره مکنیه (تشخیص)

تشبیه

۳۱۸- درین چمن به چه وحشت شکسته ای دامن که می‌روی تو و رنگ پریده می‌ماند

چمن: استعاره از دنیا

۳۱۹- به نام محض قناعت کن از نشان عدم دهان یار به حرف شنیده می‌ماند

تشبیه

فروغی بسطامی: ماه غلام رخ زیبای تو

۳۲۰- ماه غلام رخ زیبای تو سرو کمر بسته‌ی بالای تو

تشبیه مضمر و تفضیل

استعاره مکنیه (تشخیص)

واج آرایی مصوت کوتاه کسره

کمر بستن: کنایه از آماده‌ی خدمت بودن

۳۲۱- تن همه چشم است به صحن چمن نرگس شهلا به تماشای تو

تشبیه مضمر و تفضیل

همه چشم بودن: کنایه از با تمام وجود نگریستن

تناسب بین چشم و نرگس و تماشا

۳۲۲- مجمع دل های پراکنده چیست؟ چین سر زلف چلیپای تو

زلف چلیپا: تشبیه

۳۲۳- روی من و خاک سر کوی عشق رای من و پیروی رای تو

جناس ناقص اختلافی بین روی و رای

کوی عشق: اضافه تشبیهی

۳۲۴- چند فشاند نمکم بر جگر لعل شکر خند شکر خای تو

نمک بر جگر فشاندن: کنایه از مجروح و آزرده کردن

واج آرایی شین و خ

لعل: استعاره از لب

۳۲۵_ دیر کشیدی ز میان بس که تیغ مرد فروغی ز مداوای تو

از مداوا مردن: پارادوکس

شهریار: ماهم آمد

۳۲۶_ ماهم آمد به در خانه و در خانه نبودم خانه گویی به سرم ریخت چو این قصه شنودم

ماه: استعاره از محبوب

تکرار

خانه بر سر ریختن: کنایه از نازل شدن مصیبت بزرگ

۳۲۷_ آنکه می‌خواست به رویم در دولت بگشاید با که گویم که در خانه به رویش نگشودم

در دولت: اضافه استعاری

در دولت گشودن: کنایه از خوشبخت کردن

۳۲۸_ آنکه می‌خواست غبار غم از دل بزدايد آخ آخ که غبار رهش از پی نزددم

غبار غم: اضافه تشبیهی

تکرار

۳۲۹_ یار سود از شرفم سر به ثریا و دریغا که به پایش سر تعظیم به شکرانه نسودم

سر تعظیم: اضافه اقترانی

سر به ثریا سودن: اغراق و کنایه از بسیار بزرگ و شریف شدن

واج آرایی حرف سین

۳۳۰_ ای نسیم سحر آن شمع شبستان طرب را گو به سر می‌رود از آتش هجران تو دودم

استعاره مکنیه (تشخیص)

واج آرایی حرف سین

شمع شبستان طرب: استعاره از محبوب

آتش هجران: اضافه تشبیهی

مصراع دوم: کنایه

۳۳۱- به غزل رام توان کرد غزالان رمیده شهریارا غزلی هم به سزایش نسروم

غزال: استعاره از محبوب

جناس ناقص افزایشی بین غزل و غزال

ابتهاج: آغاز و انجام جهان

۳۳۲- امروز نه آغاز و نه انجام جهان است ای بس غم و شادی که پس پرده نهان است

تضاد در هر دو مصراع

جناس ناقص اختلافی بین نهان و جهان

۳۳۳- گر مرد رهی غم مخور از دوری و دیری دانی که رسیدن هنر گام زمان است

جناس ناقص اختلافی بین دوری و دیری

واج آرایی حرف دال

گام زمان: اضافه استعاری

۳۳۴- تو رهرو دیرینه‌ی سرمنزل عشقی بنگر که ز خون تو به هر گام نشان است

سرمنزل عشق: اضافه استعاری

واج آرایی مصوت کوتاه کسره

۳۳۵- آبی که برآسود زمینش بخورد زود دریا شود آن رود که پیوسته روان است

ارسال المثل

تناسب بین آب و دریا و رود

جناس ناقص اختلافی بین رود و زود

۳۳۶- باشد که یکی هم به نشانی بنشینند بس تیر که در چله این کهنه کمان است

تناسب

واج آرایی حرف کاف

۳۳۷- از روی تو دل کندم آموخت زمانه این دیده از آن روست که خونابه فشان است

استعاره مکنیه (تشخیص)

۳۳۸_ دل بر گذر قافله‌ی لاله و گل داشت این دشت که پامال سواران خزان است

قافله‌ی لاله و گل: استعاره از بهار

استعاره مکنیه (تشخیص)

تناسب

سواران خزان: اضافه استعاری

۳۳۹_ روزی که بجنبند نفس باد بهاری بینی که گل و سبزه کران تا به کران است

واج آرایی حرف ب

استعاره مکنیه (تشخیص)

تناسب

۳۴۰_ ای کوه تو فریاد من امروز شنیدی دردی‌ست در این سینه که همزاد جهان است

اغراق

استعاره مکنیه (تشخیص)

۳۴۱_ از داد و وداد آن همه گفتند و نکردند یارب چه قدر فاصله‌ی دست و زبان است

جناس ناقص افزایشی بین داد و وداد

لف و نشر

۳۴۲_ خون می‌چکد از دیده در این کنج صبوری این صبر که من می‌کنم افشردن جان است

کنج صبوری: اضافه استعاری

عماد خراسانی: چو شب های دگر

۳۴۳_ مست مستم مشکن قدر خود ای پنجه‌ی غم من به میخانه ام امشب تو برو جای دگر

پنجه‌ی غم: استعاره مکنیه (تشخیص)

۳۴۴_ چه به میخانه چه محراب حرامم باشد گر به جز عشق تو ام هست تمنای دگر

تضاد در مصراع اول

۳۴۵- گر بهشتی ست رخ توست نگارا که در آن می توان کرد به هر لحظه تماشای دگر

اغراق

تشبیه

۳۴۶- می فروشان همه دانند عمادا که بود عاشقان را حرم و دیر و کلیسای دگر

تناسب در مصراع دوم

سیمین بهبهانی: دوباره می سازمت وطن

۳۴۷- دوباره می سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش ستون به سقف تو می زنم اگرچه با استخوان

خویش

خشت جان: اضافه تشبیهی

تشبیه استخوان به ستون

۳۴۸- دوباره می بویم از تو گل به میل نسل جوان تو دوباره می شویم از تو خون به سیل اشک روان

خویش

سیل اشک: اضافه تشبیهی و اغراق

۳۴۹- دوباره یک روز روشنا سیاهی از خانه می رود به شعر خود رنگ می زنم ز آبی آسمان خویش

تضاد بین روشنا و سیاهی

۳۵۰- کسی که عظم رمیم را دوباره انشا کند به لطف چو کوه می بخشدم شکوه به عرصه ی امتحان

خویش

تضمین از آیه قرآن

جناس ناقص افزایشی بین کوه و شکوه

تشبیه در مصراع دوم

۳۵۱- هنوز در سینه آتشی به جاست کز تاب شعله اش گمان ندارم به کاهشی ز گرمی دودمان خویش

آتش: استعاره از عشق به وطن

تناسب بین آتش و شعله و گرمی

شفیعی کدکنی: نفسم گرفت

۳۵۲_ چو شقایق از دل سنگ برار رایت خون به جنون صلابت صخره‌ی کوهسار بشکن

تشبیه در مصراع اول

۳۵۳_ تو که ترجمان صبحی به ترنم و ترانه لب زخم دیده بگشا صف انتظار بشکن

واج آرایی حرف ت

۳۵۴_ بسرای تا که هستی که سرون است بودن به ترنمی دژ وحشت این دیار بشکن

واج آرایی سین

دژ وحشت: اضافه تشبیهی

محمد علی بهمنی: زمانه‌ی بی‌های و هوی

۳۵۵_ درین زمانه‌ی بی‌های و هوی لال پرست خوشا به حال کلاغان قیل و قال پرست

تناسب بین های و هوی و قیل و قال

واج آرایی الف و ق

۳۵۶_ به شب نشینی خرچنگ‌های مردابی چگونه رقص کند ماهی زلال پرست

تناسب

استعاره مکنیه (تشخیص)

۳۵۷_ رسیده‌ها چه غریب و نچیده می‌افتد به پای هرزه علف‌های باغ کال پرست

تضاد

۳۵۸_ رسیده‌ام به کمالی که جز انا الحق نیست کمال دار برای من کمال پرست

تکرار

تلمیح

واج آرایی حرف الف

۳۵۹_ هنوز زنده‌ام و زنده بودنم خاری‌ست به تنگ چشمی نامردم زوال پرست

خار به چشم کسی بودن: کنایه از مایه ناراحتی کسی بودن

واج آرایی حرف نون

حسین منزوی: زن صاعقه وار

۳۶۰_ زنی که صاعقه وار آنک ردای شعله به تن دارد فرونیامده خود پیداست که قصد خرمن من دارد

تشبیه

تناسب بین شعله و خرمن و صاعقه

۳۶۱_ همیشه عشق به مشتاقان پیام وصل نخواهد داد که گاه پیرهن یوسف کنایه های کفن دارد

استعاره مکنیه (تشخیص)

تلمیح

۳۶۲_ دوباره بیرق مجنون را دلم به شوق می افرازد دوباره عشق در این صحرا هوای خیمه زدن دارد

استعاره مکنیه (تشخیص)

۳۶۳_ مگر به صافی گیسویت هوای خویش بپالایم در این قفس که نفس در وی همیشه طعم لجن دارد

قفس: استعاره از دنیای مادی یا کشور

جناس ناقص اختلافی بین قفس و نفس

سلمان هراتی: معنی دریا شدن

۳۶۴_ پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت شب مانده بود و جرئت فردا شدن نداشت

تناسب بین آب و دریا

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصرع دوم

۳۶۵_ گم بود در عمیق زمین قامت بهار بی تو ولی زمینه ی پیدا شدن نداشت

قامت بهار: اضافه استعاری

۳۶۶_ دل ها اگرچه صاف ولی از فراز سنگ آینه بود و میل تماشا شدن نداشت

تشبیه

۳۶۷_ چون عقده ای به بغض فرو بود حرف عشق این عقده تا به همیشه سر وا شدن نداشت

تشبیه

سر: مجاز از قصد

قیصر امین پور: بغض های کال من

۳۶۸_ بغض های کال من چرا چنین؟

گریه های لال من چرا چنین؟

بغض کال: استعاره مکنیه

گریه ی لال: استعاره مکنیه

۳۶۹_ جزر و مد یال آبی ام چه شد؟

اهتزاز بال من چرا چنین؟

تناسب

۳۷۰_ رنگ بال های خواب من پرید

خامی خیال من چرا چنین؟

بال خواب: استعاره مکنیه

پریدن رنگ: کنایه از ترسیدن

۳۷۱_ آبگینه تاب حیرتم نداشت

حیرت زلال من چرا چنین؟

استعاره مکنیه (تشخیص)

حیرت زلال: اسعاره مکنیه

۳۷۲_ خشک و خالی و پریده لب دلم

کاسه ی سفال من چرا چنین؟

لب پریده دل: استعاره مکنیه

۳۷۳_ سال و ماه و روز تو چرا چنان؟

روز و ماه و سال من چرا چنین؟

جناس ناقص اختلافی بین چنین و چنان

تکرار

قیصر امین پور: آرزوهای شعاری

۳۷۴_ لحظه های کاغذی را روز و شب تکرار کردن

خاطرات بایگانی زندگی های اداری

تناسب

تضاد

۳۷۵_ آفتاب زرد و غمگین پله های رو به پایین

سقف های سرد و سنگین آسمان های اجاری

استعاره مکنیه (تشخیص) در آفتاب غمگین

آسمان اجاری: استعاره مکنیه

۳۷۶_ صندلی های خمیده میزهای صف کشیده خنده های لب پریده گریه های اختیاری

تناسب بین میز و صندلی

خنده ی لب پریده: استعاره مکنیه

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع اول

۳۷۷_ عاقبت پرونده ام را با غبار آرزوها خاک خواهد بست روزی باد خواهد برد باری

غبار آرزو: اضافه تشبیهی

جناس ناقص اختلافی بین باد و بار

بسته شدن پرونده: کنایه از به پایان رسیدن

واج آرایی حرف ب در مصراع دوم

۳۷۸_ روی میز خالی من صفحه ی باز حوادث در ستون تسلیت ها نامی از ما یادگاری

صفحه ی حوادث: اضافه استعاری

ابیات یکه: از سبک هندی

۳۷۹_ به خواب می مکم اینک لب تصور یار چو تشنه ای که کند رفع تشنگی به عقیق

عقیق: بدل از لب

تشبیه مرکب

۳۸۰_ بی طالعی نگر که من و یار چون دو چشم همسایه ایم و خانه هم را ندیده ایم

تشبیه

تناسب

۳۸۱_ گفت و گوی کفر و دین آخر به یک جا می کشد خواب یک خواب است و باشد مختلف تعبیرها

تضاد

اسلوب معادله

۳۸۲- ز خود هرچند بگریزم همان در بند خود باشم رم آهوی تصویرم شتاب ساکنی دارم

اسلوب معادله

شتاب ساکن: پارادوکس

۳۸۳- جهنمی است نشستن در آرزوی بهشت بنوش باده بهشت و بهار کن خود را

تضاد بین بهشت و جهنم

واج آرایی حرف ب در مصراع دوم

۳۸۴- منت اکسیر ما را زنده زیر خاک کرد از طلا گشتن پشیمانیم ما را مس کنید

واج آرایی حرف میم

تناسب بین مس و طلا و اکسیر

۳۸۵- بس که دست افشار پیری گشت جسم لاغرم از بن هر مو روان گردید شیر مادرم

مصراع دوم: کنایه از پیری و سفید شدن مو

۳۸۶- به هیچ آهنگ عرض مدعا صورت نمی‌بندد چو مضمون بلند افتاده ام در خاطر لالی

تشبیه در مصراع دوم

مثنوی:

۳۸۷- گر شدی عطشان بحر معنوی فرجه ای کن در جزیره‌ی مثنوی

جزیره‌ی مثنوی: اضافه تشبیهی

بحر معنوی: اضافه تشبیهی

شاهنامه: گیسو افکندن رودابه از بام کاخ

۳۸۸- سپهد سوی کاخ بنهاد روی چنان چون بود مردم جفت جوی

روی نهادن: کنایه از رفتن به سوی چیزی

۳۸۹- برآمد سیه چشم گلرخ به بام چو سرو سهی بر سرش ماه تام

جناس ناقص اختلافی بین تام و بام

تشبیه در مصراع دوم

سیه چشم گلرخ: کنایه از رودابه

۳۹۰_ دو بیجاده بگشاد و آواز داد که شاد آمدی ای جوانمرد و شاد

بیجاده: استعاره از لب

۳۹۱_ سپهد کزان گونه آوا شنید نگه کرد و خورشید رخ را بدید

خورشید رخ: استعاره از رودابه و تشبیه رخ به خورشید

۳۹۲_ شده بام از آن گوهر تابناک به جای گلش سرخ یاقوت خاک

گوهر تابناک: استعاره از رودابه

۳۹۳_ چنین داد پاسخ که ای ماه چهر درودت ز من آفرین از سپهر

ماه چهر: تشبیه چهره به ماه و استعاره از رودابه

۳۹۴_ پری روی گفت سپهد شنود سر شعر گلنار بگشاد زود

پری روی: استعاره از رودابه

۳۹۵_ کمندی گشاد او ز سرو بلند کس از مشک زان سان نیچد کمند

گمند: استعاره از زلف

سرو: استعاره از قد بلند رودابه

۳۹۶_ خم اندر خم و مار بر مار بر بر آن غبغبش نار بر نار بر

تکرار

واج آرایی

تشبیه مضمر غبغب به نار و پیچ و خم زلف به پیخ و خم مار

۳۹۷_ بدو گف برتاز و برکش میان بر شیر بگشای و چنگ کیان

مصراع دوم: کنایه

شیر: استعاره از سپهد

۳۹۸_ نگه کرد زال اندران ماه روی شگفتی بماند اندران روی و موی

ماه روی: استعاره از رودابه

جناس ناقص اختلافی بین روی و موی

چنین روز خورشید روشن مباد

۳۹۹- چنین داد پاسخ که این نیست داد

تشبیه مضمّر و تفضیل در مصراع دوم

برفتند هر دو بر دار مست

۴۰۰- گرفت آن زمان دست دستان به دست

واج آرایی سین و دال

جناس ناقص اختلافی بین دست و مست

به دست اندرون دست شاخ بلند

۴۰۱- فرود آمد از بام کاخ بلند

جناس ناقص اختلافی بین شاخ و کاخ

شاخ بلند: استعاره از رودابه

ز دینار و گوهر چو باغ بهار

۴۰۲- ابا یاره و طوق و با گوشوار

تناسب بین دینار و گوهر و طوق و گوشوار

سر جعد زلفش شکن بر شکن

۴۰۳- دو رخساره چون لاله اندر سمن

تشبیه در مصراع اول

نشسته بر ماه با فرهی

۴۰۴- همان زال با فر شاهنشهی

ماه: استعاره از رودابه

مگر شیر کو گور را نشکرید

۴۰۵- همه بود بوس و کنار و نبید

جناس ناقص اختلافی بین بود و بوس

تناسب و تضاد بین شیر و گور

که ای سرو سیمین پر رنگ و روی

۴۰۶- سپهبد چنین گفت با ماه روی

ماه روی و سرو سیمین: استعاره از رودابه

که با تخت و تاج است و با زیب و فر

۴۰۷- جز از پهلوان جهان زال زر

واج آرایی حرف ز

تناسب

شاهنامه: خان چهارم: تنبور نوازی رستم

۴۰۸- همی راند پویان به راه دراز چو خورشید تابان بگشت از فراز

جناس ناقص اختلافی بین دراز و فراز

تشبیه در مصراع دوم

۴۰۹- تهمتن مر آن را به بر در گرفت بزد رود و آنگه ره اندر گرفت

جناس ناقص اختلافی بین بر و در

واج آرایه حرف ر

۴۱۰- می و جام و بویاگل و می گسار نکرده‌ست بخشش ورا کردگار

تناسب بین می و جام و می گسار و ...

۴۱۱- بیاراست خود را به سان بهار وگر چند زیبا نبودش نگار

تشبیه در مصراع اول

نگار: استعاره از محبوب

۴۱۲- که در دشت مازندران یافت خوان می و جام با می گسار جوان

تناسب در مصراع دوم بین می و جام و می گسار

جناس تصحیف بین خوان و جوان

۴۱۳- روانش گمان نیایش نداشت زبانش توان ستایش نداشت

موازنه

۴۱۴- یکی گنده پیری شد اندر کمند پر از رنگ و نیرنگ و بند و گزند

واج آرایه حرف گاف و نون

شاهنامه: سخنی که ویران و آباد کرد

۴۱۵- چو خورشید تابان به گنبد رسید به جایی پی گور و آهو ندید

گنبد: استعاره یا مجاز از آسمان

تناسب بین گور و آهو

به جوی اندرون آب چون قیر باد

۴۱۶_ کنام دد و دام و نخجیر باد

تشبیه در مصراع دوم

تناسب بین دد و دام و نخجیر

بشد آلت ورزش و ساز و بر

۴۱۷_ بماندند پیران بی پای و پر

واج آرایی حرف پ

جناس ناقص اختلافی بین بر و پر

چنان کن کزین پس نبینند رنج

۴۱۸_ برو نیز و آباد گردان به گنج

جناس ناقص اختلافی بین رنج و گنج

از آن نامداران بی بر بدی

۴۱۹_ بیامد یکی بی خرد موبدی

واج آرایی حرف ب

هم از تخم و گاو و خر و بار خواه

۴۲۰_ ز گنج جهاندار دینار خواه

واج آرایی مصوت کوتاه ضمه

تناسب در مصراع دوم

همه کهترانند یکسر تو مه

۴۲۱_ بکش هرک بیکار بینی به ده

جناس ناقص اختلافی بین ده و مه

واج آرایی ب در مصراع اول

یکایک برافزود بر کشتمند

۴۲۲_ همان مرغ و گاو و خر و گوسپند

تناسب در مصراع اول

لیلی و مجنون نظامی: وفات مجنون

چون خرد شکست باز بردش

۴۲۳_ دستاس فلک شکست خردش

دستاس فلک: اضافه تشبیهی

تکرار

واج آرایی سین

بی‌زورتر و نزارتر گشت

۴۲۴- زان حال که بود زارتر گشت

واج آرایی حرف ز

جناس ناقص اختلافی زور و زر

جناس ناقص افزایشی بین نزار و زار

روزی ز ستم رسیده تا شب

۴۲۵- جانی ز قدم رسیده تا لب

جان به لب رسیدن: کنایه از به ستوه آمدن

تضاد در مصراع دوم

اشکی دو سه تلخ تلخ بفشانند

۴۲۶- بیتی دو سه زار زار برخواند

تکرار

موازنه

انگشت گشاد و دیده بریست

۴۲۷- برداشت به سوی آسمان دست

مصراع اول: کنایه

تناسب بین انگشت و دست

وان کیست که نگذرد در این راه

۴۲۸- او نیز گذشت زین گذرگاه

گذرگاه: استعاره از عالم مادی

از سرزنش جهانیان رست

۴۲۹- مجنون ز جهان چو رخت بریست

رخت بریستن: کنایه از رفتن

کردند بر او سرشک باران

۴۳۰- در گریه شدند سوگواران

تناسب بین گریه و سرشک و سوگوار

اغراق در مصراع دوم

دادند ز خاک هم به خاکش

۴۳۱- شستند به آب دیده پاکش

اغراق در مصراع دوم

تلمیح به آیه قرآن در مصراع دوم

رفتند ز عالم آن دو خاکی

۴۳۲- یارب چو به احتزاز و پاکی

خاکی: مجاز به علاقه‌ی ماکان

جناس ناقص اختلافی بین خاکی و پاکی

اسرار نامه: نخواندن نماز بر جنازه فردوسی

همه از فیض روحانی سرشته

۴۳۳- خدای تو جهانی پرفرشته

جناس ناقص اختلافی بین فرشته و سرشته

که فردوسی به فردوس است اولی

۴۳۴- خطم دادند بر فردوس اعلی

تکرار

واج آرایبی

مصیبت نامه: دیوانه‌ی وارسته

با سپاهی در عدد مور و ملخ

۴۳۵- خسروی می‌رفت در صحرا و شخ

در عدد مور و ملخ: اغراق

تناسب بین مور و ملخ

بانگ پیل و کوس بردا برد بود

۴۳۶- جمله صحرا غبار و گرد بود

تناسب بین صحرا و گرد و غبار

تناسب بین بانگ و کوس

واج آرایبی حرف دال

همچو قارون سرنگون خواهی شدن

۴۳۷- گر به قارونی برون خواهی شدن

تلمیح به داستان قارون و ثروت او.

همچو او گردی به یک پشه تباه

۴۳۸- ور چو نمرودی تو از ملک و سپاه

تلمیح به داستان نمرود

سر دهد چون عوج یک سنگت به گور

۴۳۹- در تو همچون صاحب عادی به زور

تلمیح

جناس ناقص اختلافی بین گور و زور

مثنوی معنوی: به عیادت رفتن کر

۴۴۰_ گفت چونی؟ گفت مردم. گفت شکر! شد از این رنجور پر آزار و نکر

جناس ناقص اختلافی بین شکر و نکر

۴۴۱_ بعد از آن گفش چه خوردی؟ گفت زهر! گفت نوشت باد. افزون گشت قهر

جناس ناقص اختلافی بین زهر و قهر

۴۴۲_ خاطر رنجور جویان صد سقط تا که پیغامش کند از هر نمط

واج آرایی حرف ر

مثنوی معنوی: خر فروشی صوفیان

۴۴۳_ آبکش داد و علف از دست خویش نه چنان صوفی که ما گفتیم پیش

جناس ناقص اختلافی بین خیش و پیش

۴۴۴_ صوفیان تقصیر بودند و فقیر کاد فقر ان یعی کفرا یبیر

تضمین در مصراع دوم

۴۴۵_ صوفیانش یک به یک بنواختند نرد خدمات‌های خوش می‌باختند

نرد باختن: کنایه

۴۴۶_ چون گذشت آن نوش و جوش و آن سماع روز گشت و جمله گفتند الوداع

جناس ناقص اختلافی بین نوش و جوش

۴۴۷_ مرا تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

جناس ناقص اختلافی بین باد و داد

بوستان سعدی: شمع و پروانه

۴۴۸_ شبی یاد دارم که چشمم نخفت شنیدم که پروانه با شمع گفت

تناسب بین شمع و پروانه

استعاره مکنیه (تشخیص)

۴۴۹_ بگفت ای هوادار مسکین من برفت انگبین یار شیرین من

انگبین یار: اضافه تشبیهی

۴۵۰_ چو شیرینی از من به در می‌رود

چو فرهادم آتش به سر می‌رود

تلمیح

تشبیه در مصراع دوم

آتش به سر رفتن: کنایه

۴۵۱_ همی گفت و هر لحظه سیلاب درد

فرو می‌دویدش به رخسار زرد

جناس ناقص اختلافی بین زرد و درد

سیلاب درد: اضافه تشبیهی

۴۵۲_ تو را آتش عشق اگر پر بسوخت

مرا بین که از پای تا سر بسوخت

پاس تا سر: مجاز از کل وجود

آتش عشق: اضافه تشبیهی

۴۵۳_ همه شب در این گفت و گو بود شمع

به دیدار او وقت اصحاب جمع

جناس ناقص اختلافی بین شمع و جمع

۴۵۴_ مکن گریه بر گور مقتول دوست

قل الحمد لله که مقبول اوست

جناس ناقص اختلافی بین اوست و دوست

تضمین

جناس ناقص اختلافی یا خط بین مقبول و مقتول

۴۵۵_ اگر عاشقی سر مشوی از مرض

چو سعدی فروشوی دست از غرض

جناس ناقص اختلافی بین مرض و غرض

۴۵۶_ به دریا مرو گفتمت زینهار

وگر می‌روی تن به طوفان سپار

تناسب بین دریا و طوفان

بوستان سعدی: حکایت ابراهیم:

۴۵۷_ به تنها یکی در بیابان چو بید سر و مویش از برف پیری سپید

تشبیه در مصراع اول

برف پیری: کنایه از سفیدی مو و اضافه تشبیهی

۴۵۸_ که ای چشم های مرا مردمک یکی مردمی کن به نان و نمک

جناس تام بین مردم، جناس ناقص افزایشی بین مردم و مردمک

تناسب بین چشم و مردمک

تناسب بین نان و نمک

۴۵۹_ سروش آمد از کردگار جلیل به هیبت ملامت کنان کای خلیل

جناس ناقص اختلافی بین جلیل و خلیل

۴۶۰_ گر او می برد پیش آتش سجود تو با پس چرا می بری دست جود؟

دست جود: اضافه اقترانی

جناس ناقص افزایشی بین سجود و جود

لیلی و مجنون جامی: کاسه شکنی لیلی

۴۶۱_ یک روز به وقت نیم روزان شد پیش شبان ز درد سوزان

جناس ناقص اختلافی بین سوزان و روزان

۴۶۲_ بگریست به درد کای جوانمرد سر تا به قدم همه غم و درد

تناسب بین غم و درد

سر تا به قدم: مجاز از کل وجود

۴۶۳_ افکن نظری دگر به کارم کامروز همان امید دارم

جناس ناقص اختلافی بین دارم و کارم

۴۶۴_ کان نقش بدیع کلک تصویر وان شیرین تر ز شکر و شیر

تشبیه تفضیل در مصراع دوم

تناسب بین شکر و شیر و نقش و کلک و تصویر

۴۶۵_ مالد سر آستین خود باز قسامی خود کند به آن ساز

جناس ناقص اختلافی بین باز و ساز

۴۶۶_ مجنون چو شنید این بشارت برخاست به موجب اشارت

جناس ناقص اختلافی بین اشارت و بشارت

۴۶۷_ مجنون چو شکست جام خود دید گویا که جهان به کام خود دید

جناس ناقص اختلافی بین جام و کام

۴۶۸_ همچون دگران نداد کامم وز سنگ ستم شکست جامم

سنگ ستم: اضافه تشبیهی

جناس ناقص اختلافی بین جام و کام

۴۶۹_ آن سنگ که زد به جام من فاش زان کاسه‌ی سر شکستیم کاش

جناس ناقص اختلافی بین کاش و فاش

۴۷۰_ از خنجر مهر او دلم چاک وز هرچه نه مهر او دلم پاک

خنجر مهر: اضافه تشبیهی

جناس ناقص اختلافی بین پاک و چاک

سلامان و ابسال جامی: مشق نام لیلی

۴۷۱_ ساخته بر ریگ ز انگشتان قلم می‌زند حرفی به دست خود رقم

تناسب بین دست و قلم و رقم و حرف

۴۷۲_ نیست جز نامی از او در دست من زان بلندی یافت قدر پست من

تضاد بین بلند و پست

۴۷۳_ ناچشیده جرعه‌ای از جام او عشق بازی می‌کنم با نام او

جناس ناقص اختلافی بین جام و نام

وحشی بافقی: زیبایی لیلی

۴۷۴_ دل مجنون ز شکرخنده خون است تو لب می‌بینی و دندان که چون است

تناسب بین لب و دندان و خنده

جناس ناقص اختلافی بین خون و چون

رضی آرتیمانی: ساقی نامه

۴۷۵_ الهی به مستان میخانه‌ات به عقل آفرینان دیوانه ات

عقل آفرین دیوانه: پارادوکس

۴۷۶_ به مستان افتاده در پای خم به رندان پیمانه پیمای خم

تناسب بین پیمانه و مست و خم

۴۷۷_ می‌یی ده که چون ریزمش در سبو برآرد سبو از دل آواز هو

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع دوم

۴۷۸_ تو خاکم گل از آب انگور کن سراپای من آتش طور کن

تلمیح به آفرینش انسان در مصراع اول

۴۷۹_ دماغم ز میخانه بویی کشید حذر کن که دیوانه هویی کشید

جناس ناقص اختلافی بین بویی و هویی

۴۸۰_ مغنی نوای طرب ساز کن دلم تنگ شد مطرب آواز کن

تناسب بین مغنی و طرب و مطرب و آواز

ساز با مطرب و طرب دارای ایهام تناسب است.

۴۸۱_ پریشان دماغیم ساقی کجاست؟ شرابی ز شب مانده باقی کجاست؟

جناس ناقص اختلافی بین ساقی و باقی

خائلی: عقاب

۴۸۲_ گشت غمناک دل و جان عقاب چون ازو دور شد ایام شباب

استعاره مکنیه (تشخیص)

۴۸۳_ دید کش دور به انجام رسید آفتابش به لب بام رسید

مصراع دوم: کنایه از به پایان رسید عمر

گشت بر باد سبک سیر سوار

۴۸۴- صبحگاهی ز پی چاره‌ی کار

سوار بر باد: استعاره

ننگم آید که ز جان یاد کنم

۴۸۵- دل چو در خدمت تو شاد کنم

جناس ناقص اختلافی بین یاد و شاد

تناسب بین دل و جان

گفت و گویی دگر آورد به پیش

۴۸۶- این همه گفت ولی با دل خویش

جناس ناقص اختلافی بین پیش و خیش

که مرا عمر حبابی است بر آب

۴۸۷- زار و افسرده چنین گفت عقاب

تشبیه در مصراع دوم

لیک پرواز زمان تیز ترست

۴۸۸- راست است این که مرا تیز پرست

پرواز زمان: اضافه استعاری

تا به منزلگه جاوید شتافت

۴۸۹- پدرم نیز به تو دست نیافت

منزلگه جاوید: کنایه از آن سرای ابدی

یک گل از صدگل تو نشکفته است

۴۹۰- عمر من نیز به یغما رفته‌ست

مصراع دوم کنایه از جوان بودن

کان اندرز بد و دانش و پند

۴۹۱- پدر من که پس از سیصد و اند

جناس ناقص اختلافی بین پند و اند

تن و جان را نرسانند گزند

۴۹۲- باده‌ها کز زبر خاک وزند

تضاد بین تن و جان

جناس ناقص اختلافی بین گزند و وزند

عمر بسیار ازان یافت نصیب

۴۹۳- زاغ را میل کند رو به نشیب

جناس ناقص اختلافی بین نشیب و نصیب

طعمه‌ی خویش بر افلاک مجوی

۴۹۴- خیز و زین بیش ره چرخ مپوی

جناس ناقص اختلافی بین مجوی و مپوی

گندزاری بود اندر پس باغ

۴۹۵- آنچه زان زاغ چنین داد سراغ

جناس ناقص افزایشی بین سراغ و باغ، سراغ و زاغ

جناس ناقص اختلافی بین زاغ و باغ

تا بیاموزد از آن مهمان پند

۴۹۶- گفت و بنشست و بخورد از آن گند

جناس ناقص اختلافی بین گند و پند

دم زده در نفس باد سحر

۴۹۷- عمر در اوج فلک برده به سر

جناس ناقص افزایشی بین سر و سحر

نفس باد سحر: استعاره مکنیه (تشخیص)

به رهش بسته فلک طاق ظفر

۴۹۸- بارها آمده شادان ز سفر

جناس ناقص اختلافی بین سفر و ظفر

تازه و گرم شده طعمه‌ی او

۴۹۹- سینه‌ی کبک و تزر و تیهو

تناسب در مصراع اول

واج آرایه حرف ت

گیج شد بست دمی دیده‌ی خویش

۵۰۰- دلش از نفرت و بیزاری ریش

جناس ناقص اختلافی بین ریش و خیش

زاغ را دیده بر او مانده شگفت

۵۰۱- شهپر شاه هوا اوج گرفت

شاه هوا: استعاره از عقاب

نقطه ای بود و دگر هیچ نبود

۵۰۲- لحظه ای چند بر این لوح کبود

جناس ناقص اختلافی بین کبود و نبود

لوح کبود: استعاره از آسمان

قیصر امین پور: نی نامه

- ۵۰۳_ خوشا از دل نم اشکی فشاندن
به آبی آتش دل را نشاندن
- تضاد بین آتش و آب
- ۵۰۴_ نوای نی نوای بی‌نوایی است
هوای ناله‌هایش نینوایی است
- واج آرایبی حرف نون و الف
- جناس ناقص اختلافی بین هوا و نوا
- نوای بی‌نوایی: پارادوکس
- ۵۰۵_ نوای نی دواي هر دل تنگ
شفای خواب گل بیماری سنگ
- جناس ناقص اختلافی بین تنگ و سنگ
- تناسب بین شفا و دوا و بیماری
- استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع دوم
- ۵۰۶_ دل نی ناله ها دارد از آن روز
از آن روز است نی را ناله پر سوز
- جناس ناقص اختلافی بین روز و سوز
- استعاره مکنیه (تشخیص)
- ۵۰۷_ چه رفت آن روز در اندیشه‌ی نی
که این سان شد پریشان بیشه‌ی نی
- استعاره مکنیه (تشخیص)
- ۵۰۸_ پر از عشق نیستان سینه‌ی او
غم غربت غم دیرینه‌ی او
- واج آرایبی حرف غ
- استعاره مکنیه (تشخیص) در این بیت و همچنین در ابیات بعدی.
- ۵۰۹_ دلش را با غریبی آشنایی است
به هم اعضای او وصل از جدایی است
- تضاد در مصراع اول
- پارادوکس در مصراع دوم (وصل از جدایی)
- ۵۱۰_ ره نی پیچ و خم بسیار دارد
نوایش زیر و بم بسیار دارد

تناسب بین زیر و بم و نوا

۵۱۱- چو از جان پیش پای عشق سر داد سرش بر نی نوای عشق سر داد

تناسب بین نی و نوا سردادن

سردادن: جناس تام

۵۱۲- سری بر نیزه‌ای منزل به منزل به همراهش هزاران کاروان دل

کاروان دل: تشبیه

۵۱۳- سزد گر چشم‌ها در خون نشیند چو دریا را به روی نیزه بیند

مصراع اول: کنایه از خون گریستن

دریا: استعاره از نی

اغراق

۵۱۴- ز دست عشق در عالم هیاهو است تمام فتنه‌ها زیر سر اوست

استعاره مکنیه (تشخیص)

۵۱۵- روی به محراب نهادن چه سود دل به بخارا و بتان و طراز

تناسب بین بخارا و بت و طراز

بت: استعاره از زیبارو

قطعه:

۵۱۶- قطعه ای نزد من آوردند کاندرا لفظ او بود معنی خوش نفس چون غنچه اندر پیرهن

تشبیه در مصراع دوم

ابوالفرج سگزی: عنقای مغرب

۵۱۷- عنقای مغرب است در این دور خرمی خاص از برای محنت و رنج است آدمی

تشبیه در مصراع اول

مصراع اول: کنایه از نایافتنی بودن

انوری: چنار و کدوبن

۵۱۸_ پرسید از چنار که تو چند روزه ای؟ گفتا چنار: عمر من افزون تر از دویست

استعاره مکنیه (تشخیص)

۵۱۹_ فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست

تضاد در مصراع دوم

ابن یمین: سفر از عدم تا عالم قدس

۵۲۰_ زدم از کتم عدم خیمه به صحرای وجود وز جمادی به نباتی سفری کردم و رفت

تناسب بین جمادی و نباتی

صحرای وجود: اضافه تشبیهی

خیمه زدن از عدم به وجود: کنایه از به وجود آمدن

تضاد بین عدم و وجود

۵۲۱_ بعد از آن در صدف سینه‌ی انسان به صفا گوهر هستی خود را گه‌ری کردم و رفت

صدف سینه: اضافه تشبیهی

گوهر هستی: اضافه تشبیهی

آگهی یزدی: ده امر ناپسند

۵۲۲_ ناز عاشق زهد فاسق بذل ممسک هزل رذل عشوه‌ی محبوب بدشکل و نظربازی کور

جناس ناقص اختلافی بین هزل و رذل (صورت آوایی بر نوشتاری ارجحیت دارد).

صنعت ازدواج در هزل رذل

قائمی شیرازی: گفت و گوی دو الکن

۵۲۳_ تریاکی ام و بی شهد لب صبر و تابم رفت از تن

شهد لب: اضافه تشبیهی

ایرج میرزا: جنگ معشوقه و مادر

۵۲۴_ با نگاه غضب‌آلود زند بر دل نازک من تیر خدنگ

تشبیه مضمهر نگاه به تیر خدنگ

همچو سنگ از دهن قلماسنگ

۵۲۵- از در خانه مرا طرد کند

تشبیه مرکب

شهد در کام من و توست شرنگ

۵۲۶- مادر سنگ دلت تا زنده‌ست

تضاد بین شهد و شرنگ

سنگ دل: اضافه تشبیهی

تا برد زآینه‌ی قلم زنگ

۵۲۷- گرم و خونین به منش بازآری

آینه‌ی قلب: اضافه تشبیهی

تناسب بین آینه و زنگ

مست از آن باده و دیوانه ز بنگ

۵۲۸- حرمت مادر از یاد ببرد

باده: استعاره از عشق

دل مادر به کفش چون نارنگ

۵۲۹- قصد سرمنزله معشوقه نمود

تشبیه در مصراع دوم

ایرج میرزا: حق استاد

که به تعلیم من استاد استاد

۵۳۰- پس مرا منت از استاد بود

جناس ناقص حرکتی بین استاد و استاد

پروین اعتصامی: سر و سنگ

بیپچید و گردید چون مار چنبر

۵۳۱- شد از رنج رنجور و از درد نالال

تشبیه در مصراع دوم

واج آرایی حرف ر

محمدتقی بهار: دخترک اعجمی

روشن نموده شهر به به نور جمال خویش

۵۳۲- دیدم به بصره دخترکی اعجمی نسب

نور جمال: اضافه استعاری

اغراق

گزیده رباعیات:

- ۵۳۳_ در پیش خود آن نامه چو بلکامه نهم
پروین ز سرشک دیده بر جامه نهم
- تشبیه مضمراشک به پروین در مصراع دوم
- ۵۳۴_ در دایره‌ای کآمدن و رفتن ماست
او را نه بدایت نه نهایت پیداست
- تضاد بین بدایت و نهایت
- دایره: تشبیه آمدن و رفتن به دایره
- ۵۳۵_ پیش از من و تو لیل و نهاری بوده‌ست
در هر قرنی بزرگواری بوده‌ست
- تضاد در مصراع اول
- ۵۳۶_ این قافله‌ی عمر عجب می‌گذرد
دریاب دمی که با طرب می‌گذرد
- قافله‌ی عمر: اضافه تشبیه‌ی
- ۵۳۷_ ساقی غم فردای حریفان چه خوری؟
در ده قدح باده که شب می‌گذرد
- تناسب بین ساقی و قدح و باده
- ۵۳۸_ وین عقل ستیزه‌روی را مشتی می
بر روی چنان زخم که در خواب کنم
- استعاره مکنیه (تشخیص)
- ۵۳۹_ ای آنکه نتیجه‌ی چهار و هفتی
وز هفت و چهار دایم اندر تفتی
- جناس ناقص اختلافی بین تفت و هفت
- تصدیر
- ۵۴۰_ گویند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی می و شیر و شهد و شکر باشد
- واج آرایی حرف شین در مصراع دوم
- تناسب در هر دو مصراع
- ۵۴۱_ پر کن قدح باده و بر دستم نه
نقدی ز هزار نسیه بهتر باشد
- ارسال المثل
- تناسب در هر دو مصراع

- ۵۴۲_ جامی است که عقل آفرین میزندش
صد بوسه ز مهر بر جبین میزندش
استعاره مکنیه (تشخیص)
- ۵۴۳_ ای چرخ همه خرابی از کینه‌ی تست
بیدادگری شیوه‌ی دیرینه‌ی تست
استعاره مکنیه (تشخیص)
- ۵۴۴_ وی خاک اگر سینه تو بشکافد
بس گوهر پربها که در سینه‌ی تست
استعاره مکنیه در مصراع اول
گوهر پربها: استعاره از آدمیان
- ۵۴۵_ وین کوزه گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش
جام لطیف: استعاره از آدمیان
کوزه گر دهر: اضافه تشبیهی
- ۵۴۶_ چندین سر و پای نازنین و سر و دست
از مهر که پیوست و به کین که شکست
تناسب بین سر و دست و پا
تضاد بین مهر و کین
- ۵۴۷_ سرگشته‌ی توست نه فلک می‌دانی
گرد در تو گشته به سرگردانی
واج آرایی حرف گاف
حسن تعلیل
- ۵۴۸_ تو خورشیدی ولی میان جانی
خورشید که دیده‌ست بدین پنهانی
تشبیه در مصراع اول
- ۵۴۹_ این قصه به سرسری به سر می‌نشود
کاری است عظیم مرد می‌باید بود
واج آرایی حرف سین
- ۵۵۰_ مهتاب به نور دامن شب بشکافت
می‌خور که دمی خوش تر از این نتوان یافت
دامن شب: اضافه استعاری
تناسب بین مهتاب و نور

۵۵۱_ کان درد به صد هزار درمان ندهم

۵۵۱_ از دوست به یادگار دردی دارم

واج آرایی حرف دال

تضاد بین درد و درمان

حقا که غمت از تو وفادارتر است

۵۵۲_ بگذاشتی ام غم تو نگذاشت مرا

استعاره مکنیه (تشخیص)

دارم جانی که ناله می‌روید از او

۵۵۳_ دارم چشمی که ژاله می‌روید از او

ژاله: استعاره از اشک

ژاله مانند گل می‌روید: استعاره مصرحه مجرده

روییدن ناله: استعاره مصرحه مجرده

اندوه هزارساله می‌روید از او

۵۵۴_ این شوره زمین که نام او دل کردند

روییدن اندوه: استعاره مصرحه مجرده

لعل تو به رنگ می هم آغوشی داشت

۵۵۵_ دی نخل قدت به ناز همدوشی داشت

تشبیه مضمّر و تفضیل در مصراع اول

لعل: استعاره از لب

ای مرگ بیا که زندگی ما را کشت

۵۵۶_ فارغ نشویم یکدم از فکر معاش

پارادوکس در مصراع دوم

تضاد بین مرگ و زندگی

شوق از سر و ذوق طلب از پا رفته‌ست

۵۵۷_ گفتم ز چه آیا طرب از ما رفته‌ست

جناس ناقص اختلافی بین طرب و طلب

تناسب بین طرب و ذوق و شوق

جناس ناقص اختلافی بین ذوق و شوق

معلوم شد که عمر بالا رفته‌ست

۵۵۸_ بر چهره چو نردبان چنین ها دیدم

تشبیه در مصراع اول

واج آرایی حرف چ

۵۵۹_ در خواب شبی شهاب پیدا کردم در رقص سراب، آب پیدا کردم

واج آرایی مصوت بلند ا

مصراع دوم: پارادوکس

رقص سراب: استعاره مکنیه

۵۶۰_ این دفتر پر ترانه را هم روزی در کوچه‌ی آفتاب پیدا کردم

کوچه آفتاب: اضافه استعاری

۵۶۱_ ما دشمن آه و آوخ و افسوسیم با شوق لبان مرگ را می‌بوسیم

لبان مرگ: اضافه استعاری

۵۶۲_ دریا دریا اگر ز ما بگیرند کم می‌نشویم از آنکه اقیانوسیم

تکرار

تناسب بین دریا و اقیانوس

۵۶۳_ در سینه چگونه من نگه دارم دل کز دیده به جای اشک می‌بارم دل

تصدیر

دل باریدن: استعاره مصرحه مجرده

۵۶۴_ ما مرغ سحرخوان شگفت آواییم خونین پر و بالیم و شفق سیماییم

تشبیه

در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه صدبار شکسته ایم و پابرجاییم

تشبیه در مصراع اول

معبر تاریخ: اضافه تشبیهی

۵۶۵_ با زمزمه‌ی بهار بیدارم کن از جرئت آبشار سرشارم کن

استعاره مکنیه در مصراع اول و دوم

دوبیتی:

- ۵۶۶_ اندر دهنی که بود تسبیح
شعر است و دوبیتی و ترانه
- تناسب در مصراع دوم
- ۵۶۷_ مرا نه سر نه سامون آفریدند
پریشونم پریشون آفریدند
- تکرار
- ۵۶۸_ مو آن رندم که نامم بی قلندر
نه خون دیرم نه مون دیرم نه لنگر
- جناس ناقص اختلافی بین خون و مون
- ۵۶۹_ چو روز آیه بگردوم گرد کویت
چو شو آیه به خشتون وا نهم سر
- تضاد بین شب و روز
- ۵۷۰_ مو آن آزرده‌ی بی خونه مونم
مو آن محنت نصیب سخت جونم
- جناس ناقص اختلافی بین خون و مون و جون
- ۵۷۱_ مو آن سرگشته خارم در بیابون
که هر بادی وزه پیشش دوونم
- تشبیه در مصراع اول
- ۵۷۲_ دو زلفونت بود تار ربام
چه می‌خواهی از این حال خرابم
- تشبیه در مصراع اول
- جناس ناقص اختلافی بین رباب و خراب
- ایهام تبادر بین تار و رباب
- ۵۷۳_ نشسته بلبان با گل بلانند
مو که دور از گلانم چون ننام
- تناسب بین گل و بلبان
- گل در مصراع دوم: استعاره از زیبارویان
- ۵۷۴_ خوشا آنون که پا از سر ندونن
میون شعله خشک و تر ندونن
- تضاد بین خشک و تر
- جناس ناقص اختلافی بین تر و سر

سر از پا ندانستن: کنایه

سرایي خالی از دلبر ندونن

۵۷۵_ کنشت و کعبه و بتخانه و دیر

تضاد مفهومی در مصراع اول

نه هنگام حکایات طویل است

۵۷۶_ دلا امشب نه وقت قال و قیل است

جناس ناقص اختلافی بین قیل و قال

به هرجانب صدای الرحیل است

۵۷۷_ بین فایز قوافل در قوافل

تکرار

تناسب بین قوافل و الرحیل

نظر بر نوگلی انداختم من

۵۷۸_ به سیر باغ رفتم من باختم من

تناسب بین باغ و نوگل

به مسکینان کلامی مختصر کن

۵۷۹_ مه بالانشین پایین نظر کن

مه بالانشین: استعاره از محبوب

تضاد بین بالا و پایین

محبت با غریبان بیشتر کن

۵۸۰_ بتا فایز غریب این دیار است

بت: استعاره از محبوب

ز ملک دل دو لشکر ساختی تو

۵۸۱_ دو گیسو را به دوش انداختی تو

ملک دل: اضافه تشبیهی

به یکدم کار فایز ساختی تو

۵۸۲_ به استمداد چشم و زلف و رخسار

تناسب در مصراع اول

لب میگون شکرریز داری

۵۸۳_ بتا در گوش گوش آویز داری

بت: استعاره از محبوب

دلی در سینه مهر انگیز داری

۵۸۴_ بشارت می دهد این دل به فایز

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع اول

خسی در موج دریای تو باشم

۵۸۵_ به جان جوشم که جویای تو باشم

تشبیه در مصراع دوم

واج آرایی حرف ج

صدای پای پیروزی شنیدم

۵۸۶_ ز آهنگ شکست استخوانش

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع دوم

شعر آزاد:

مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

۵۸۷_ رستم از این بیت و غزل ای مه و سلطان ازل

مفتعلن ها در مصراع دوم: مجاز از وزن عروضی

تناسب بین بیت و غزل و مفتعلن

جناس ناقص اختلافی بین غزل و ازل

نیما یوشیج: مهتاب

۵۸۸_ می تراود مهتاب / می درخشد شب تاب

تراوش مهتاب: استعاره مصرحه مجرده

۵۸۹_ نگران با من استاده سحر / صبح می خواهد از من

نگران: ایهام ۱_ نگاه کننده ۲_ پریشان

استعاره مکنیه (تشخیص)

۵۹۰_ نازک آرای تن ساق گلی

استعاره مکنیه

نیما یوشیج: چشم در راهم

۵۹۱_ در آن که بر جا دره ها چون مرده ماران خفتگانند

تشبیه

۵۹۲_ در آن نوبت که بدد دست نیلوفر به پای سرو کوهی دام

دو استعاره مکنیه در دست نیلوفر و پای سرو کوهی

نیما یوشیج: داروگ

۵۹۳_ قاصد روزان ابری داروگ! کی می‌رسد باران؟

تناسب بین ابر و باران

استعاره مکنیه

۵۹۴_ بر بساطی که بساطی نیست

پارادوکس

۵۹۵_ و جدار دنده‌های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می‌ترکد

دنده‌های نی: استعاره مکنیه

فریدون مشیری: کوچه

۵۹۶_ شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم

جام وجود: اضافه تشبیهی

۵۹۷_ در نهانخانه‌ی جانم گل یاد تو درخشید

گل یاد: اضافه تشبیهی

۵۹۸_ باغ صد خاطره خندید

اضافه تشبیهی

استعاره مکنیه

۵۹۹_ بخت خندان و زمان رام

استعاره مکنیه

۶۰۰_ خوشه‌ی ماه فروریخته در آب

خوشه‌ی ماه: اضافه تشبیهی

۶۰۱_ شاخه‌ها دست برآورده به مهتاب

استعاره مکنیه

۶۰۲_ شب و صحرا و گل و سنگ / همه دل داده به آواز شباهنگ

استعاره مکنیه

تناسب

۶۰۳_ تو که امروز نگاهت به نگاهی نگران است/ باش فردا که دلی تا دگران است.

جناس ناقص اختلافی بین دگران و نگران

واج آرایه حرف گاف و نون

۶۰۴_ روز اول که دل من به تمنای تو پر زد/ چو کبوتر لب بام تو نشستم

تشبیه

استعاره مکنیه

۶۰۵_ باز گفتم که تو صیادی و من آهوی دشتم

تشبیه

۶۰۶_ مرغ شب ناله‌ی تلخی زد و بگریخت

حس آمیزی

۶۰۷_ ماه بر عشق تو خندید

استعاره مکنیه

۶۰۸_ پای در دامن اندوه کشیدم

کنایه از غمگین شدن

دامن اندوه: اضافه استعاری

احمد شاملو: کیفر

۶۰۹_ من اما در دل کهسار رویاهای خود جز انعکاس سرد آهنگ صبور این علف های بیابانی که می‌رویند و می‌پوسند و می‌خشکند و میریزند، با چیزی ندارم گوش.

واج آرایه مصوت کوتاه ضمه

کهسار رویا: اضافه تشبیهی

انعکاس سرد: حس آمیزی

مهدی اخوان ثالث: زمستان

۶۱۰_ نفس کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک/ چو دیوار ایستد در پیش چشمانت

تشبیه

۶۱۱_ منم من سنگ تیپا خورده‌ی رنجور

تشبیه

۶۱۲_ نه از رومم نه از زنگم/ همان بی‌رنگ بی‌رنگم

جناس ناقص اختلافی بین رنگ و زنگ

تضاد بین رومی و زنگی

۶۱۳_ میهمان سال و ماهت پشت در چون موج می‌لرزد

تشبیه

۶۱۴_ صدایی گر شنیدی صحبت سرما و دندان است

استعاره مکنیه

کنایه از به هم خوردن دندان ها از سرما

۶۱۵_ من امشب آمدستم وام بگذارم/ حسابت را کنار جام بگذارم

جناس ناقص اختلافی بین جام و وام

۶۱۶_ یادگار سیلی سرد زمستان است

استعاره مکنیه

۶۱۷_ به تابوت ستمبر ظلمت نه توی مرگ اندود پنهان است

تشبیه ظلمت نه توی مرگ به تابوت

۶۱۸_ حریف! رو چراغ باده را بفروز

کنایه از باده خوردن

۶۱۹_ درختان اسکلت های بلور آجین/ زمین دل مرده/ سقف آسمان کوتاه

تشبیه درختان به اسکلت

زمین دل مرده: استعاره مکنیه

سقف آسمان: استعاره مصرحه مجرده

مهدی اخوان ثالث: قاصدک

۶۲۰_ قاصدک! هان چه خبر آوردی

استعاره مکنیه

۶۲۱_ نه ز یاری نه ز دیار و دیاری باری

جناس ناقص اختلافی بین یار و دیار

واج آرایی دال و مصوت بلند الف و ر

جناس ناقص اختلافی بین باری و یاری

دیار و دیار: جناس مرکب

۶۲۲_ قاصد تجربه های همه تلخ

حس آمیزی

۶۲۳_ در اجاقی طمع شعله نمی‌بندم، خردک شرری هست هنوز؟

تناسب

۶۲۴_ ابرهای همه عالم شب و روز در دلم می‌گریند

استعاره مکنیه

مهدی اخوان ثالث: کتیبه

۶۲۵_ گروهی شک و پرسش ایستاده بود

استعاره مکنیه

۶۲۶_ و دیگر سیل و خیل خستگی بود و فراموشی

جناس ناقص اختلافی بین خیل و سیل

سیل و خیل خستگی: اضافه تشبیهی

۶۲۷_ شبی که لعنت از مهتاب می‌بارید

استعاره مصرحه مجرده (لعنت مانند باران می‌بارید)

۶۲۸_ و شب شط جلیلی بود پر مهتاب

تشبیه

۶۲۹_ دوباره خواند/ خیر ماند/ پنداری زبانش مرد

استعاره مکنیه

مهدی اخوان ثالث: غزل

۶۳۰_ ای تکیه گاه و پناه زیباترین لحظه های پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من

واج آرایی مصوت کوتاه کسره

۶۳۱_ ای شط شیرین پر شوکت من

واج آرایی مصوت کوتاه کسره و حرف شین

۶۳۲_ در کوچه های بزرگ نجابت

اضافه استعاره در کوچه ی نجابت

۶۳۳_ ظاهر نه بن بست عابر فریب استجابت

اضافه استعاری

۶۳۴_ در کوچه های سرور و غم راستینی که مان بود

اضافه استعاری

۶۳۵_ در کوچه باغ گل ساکت نازهایت

تشبیه گل به ناز

اضافه استعاری در کوچه باغ گل ناز

۶۳۶_ در کوچه باغ گل سرخ شرمم

تشبیه شرم به گل سرخ

اضافه استعاری در کوچه باغ گل شرم

۶۳۷_ تا ساحل سیمگون سحرگاه رفتن

تشبیه سحرگاه به ساحل سیمگون

واج آرایی حرف سین

۶۳۸_ در کوچه‌های نجیب غزل ها که چشم تو می‌خواند

کوچه‌ی نجیب: استعاره مکنیه

کوچه‌ی غزل: اضافه استعاری

۶۳۹_ ای هم نشین قدیم شب غربت من

واج آرایی مصوت کوتاه کسره

۶۴۰_ در کوچه باغ گل تیره و تلخ اندوه

گل اندوه: اضافه تشبیهی

کوچه باغ گل: اضافه استعاری

سهراب سپهری: واحه ای در لحظه

۶۴۱_ پشت هیچستان رگ های هوا پر قاصدهایی است که خبر می‌آرند از گل واشده‌ی دورترین بوته‌ی خاک

رگ های هوا: اضافه استعاری

تناسب بین بوته و خاک و گل

۶۴۲_ پشت هیچستان، چتر خواهش باز است

چتر خواهش: اضافه تشبیهی

۶۴۳_ زنگ باران به صدا می‌آید

کنایه از باران باریدن

۶۴۴_ مبادا که ترک بردارد چینی نازک تنهایی من

چینی تنهایی: اضافه تشبیهی

سهراب سپهری: سوره‌ی تماشا

۶۴۵_ واژه ای در قفس است

استعاره مکنیه

۶۴۶_ حرف هایم مثل یک تکه چمن روشن بود

تشبیه

ایهام استخدام

۶۴۷_ در کف دست زمین گوهر ناپیدایی است

استعاره مکنیه

۶۴۸_ لحظه ها را به چراگاه رسالت ببرید

چراگاه رسالت: اضافه تشبیهی

۶۴۹_ به طنین گل سرخ پشت پرچین سخن های درشت

طنین گل سرخ: استعاره مکنیه

پرچین سخن: اضافه تشبیهی

۶۵۰_ هر که در حافظه ی چوب ببیند باغی

حافظه چوب: استعاره مکنیه

۶۵۱_ صورتش در وزش بیشه ی شور ابدی خواهد ماند

بیشه ی شور: اضافه ی تشبیهی

۶۵۲_ آنکه نور از سر انگشت زمان برچیند، می گشاید گره پنجره ها را با آه.

انگشت زمان: استعاره مکنیه (اضافه استعاری)

۶۵۳_ ابر انکار به دوش آوردند

ابر انکار: اضافه تشبیهی

۶۵۴_ دستشان را نرساندیم به سر شاخه ی هوش

سرشاخه ی هوش: اضافه استعاری

۶۵۵_ خوابشان را به صدای سفر آینه ها آشفتم

سفر آینه: استعاره مکنیه

فروغ فرخزاد: پرواز را به خاطر بسپار

۶۵۶_ انگشتانم را بر پوست کشیده‌ی شب می‌کشم

پوست شب: اضافه استعاری

۶۵۷_ چراغ های رابطه تاریکند

چراغ رابطه: اضافه تشبیهی

فروغ فرخزاد: سلامی به آفتاب

۶۵۸_ به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد

استعاره مکنیه (تشخیص)

شفیعی کدکنی: هزاره‌ی دوم آهوی کوهی

۶۵۹_ این طنینی که سرایند خموشی ها

پارادوکس

۶۶۰_ تا درودی به سمرقند چو قند

تشبیه

۶۶۱_ گسترانیده شکوهی به موازات ابد

گستراندن شکوه: اضافه استعاری

شفیعی کدکنی: غزل برای گل آفتاب گردان

۶۶۲_ نفست شکفته بادا و ترانه ات شنیدم گل آفتابگردان

استعاره مکنیه (تشخیص)

۶۶۳_ به سحر که خفته در باغ صنوبر و ستاره

واج آرایی حرف س (آوا مدنظر است نه شکل نوشتار سین و صاد)

۶۶۴_ نه بنفشه داند این راز نه بید و رازیانه

تناسب بین بید و رازیانه و بنفشه

استعاره مکنیه

۶۶۵_ تویی آن دعای خورشید که مستجاب گشتی - استعاره مکنیه

شفیعی کدکنی: سفر به خیر

۶۶۶_ به کجا چنین شتابان؟ گون از نسیم پرسید

استعاره مکنیه

۶۶۷_ به شکوفه ها به باران برسان سلام ما را

واج آرایی حرف ب و مصوت بلند ا

استعاره مکنیه

گلرخسار: شاهنامه وطن است

۶۶۸_ خردی که به جهان آموزد هنر از اجل جهل نمردن

تضاد بین خرد و جهل

اجل جهل: اضافه تشبیهی

۶۶۹_ ادبی کز ثمر سبز درختش جاودان بهره بگیریم

تشبیه ادب به درخت.

شعر سپید:

احمد شاملو: شبانه

۶۷۰_ به راستی صلت کدام قصیده ای ای غزل؟

تناسب بین قصیده و غزل و صلت

۶۷۱_ و دلت کبوتر آتشی است در خون تپیده

تشبیه

موسوی گرمارودی: نخل ولایت

۶۷۲_ تو آن بزرگ ترین هرمی که فرعون تخیل می تواند ساخت

فروعون تخیل: اضافه تشبیهی

تناسب بین هرم و فرعون

۶۷۳_ و رود عظیم تاریخ جوباری که خیزاب امواجش از قوزک پایت در نمی گذرد

تشبیه تاریخ به رود

تناسب بین رود و جویبار و امواج

۶۷۴_ به شکستن بندگان بت کمر می‌بستی

کمر بستن: کنایه از آماده شدن برای کاری است.

۶۷۵_ چگونه این چنین که بلند بر زبر ماسوا ایستاده ای در کنار تنورپیرزنی جای می‌گیری

تلمیح به داستان تنور پیرزن که می‌گویند طوفان نوح از آنجا آغاز شد.

۶۷۶_ پیش از تو هیچ اقیانوس را نمی‌شناختم که عمود بر زمین بایستد

تشبیه مضمَر

۶۷۷_ از دیدگان معبری برای علی ساخته باشید

تشبیه

۶۷۸_ چگونه می‌توان به شمشیری دریایی را شکافت

دریا: استعاره از پیشانی حضرت علی

۶۷۹_ هنگامی که به همراه آفتاب به خانه یتیم‌کان بیوه‌زنی تابیدی

حضرت مانند آفتاب تابید: استعاره

۶۸۰_ آیا تاریخ به تحریر بر در سرای خشک و لرزان نمانده بود؟

استعاره مکنیه

جناس ناقص اختلافی بین بر و در

۶۸۱_ در احد که گلبوسه‌ی زخم‌ها تنت را دشت شقایق کرده بود

گلبوسه‌ی زخم: اضافه تشبیهی

تشبیه تن زخمی به دشت شقایق

۶۸۲_ از کدام باده‌ی مهر مست بودی

باده‌ی مهر: اضافه تشبیهی

۶۸۳_ شعر سپید من روسیاه ماند که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد

حسن تعلیل

تضاد بین سیاه و سپید

استعاره مکنیه

قیصر امین پور: اشتقاق

۶۸۴_ وقتی جهان از ریشه‌ی جهنم و آدم از عدم و سعی از ریشه‌های یاس می‌آید

اضافه استعاری: ریشه‌های یاس

۶۸۵_ وقتی که یک تفاوت ساده گفتار را به کفتر تبدیل می‌کند

جناس ناقص افزایشی بین گفتار و کفتر

نثر:

۶۸۶_ کارم اندر عشق مشکل می‌شود خان و مانم در سر دل می‌شود

جناس ناقص اختلافی بین خان و مان و در و سر

در سر چیزی شدن: کنایه

۶۸۷_ هر زمان گویم که بگریزم ز عشق عشق پیش از من به منزل می‌شود

استعاره مکنیه در مصراع دوم

۶۸۸_ آن لحظه شوم زنده که پیشت میرم وام دم میرم که بی تو مانم زنده

پارادوکس

واج آرایی حرف میم

۶۸۹_ در دیده به جای خواب آب است مرا زیرا که به دیدنت شتاب است مرا

واج آرایی مصوت بلند ا

۶۹۰_ من گرد سر کوی تو از بهر تو گردم بلبل ز پی گل به کنار چمن آید

اسلوب معادله

تناسب بین بلبل و گل و چمن

۶۹۱_ نبیند مدعی جز خویشان را که دارد پرده‌ی پندار در پیش

پرده‌ی پندار: اضافه تشبیهی

این چنین ساکن روان که منم

۶۹۲_ کی شود این روان من ساکن

پارادوکس در مصراع دوم

جناس تام بین روان در مصراع اول و دوم

گویی که سر گلابدان است

۶۹۳_ مهر از سر نامه برگرفتم

تشبیه

ادبیات داستانی:

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

۶۹۴_ از شبنم عشق خاک آدم گل شد

شبنم عشق: اضافه تشبیهی

یک قطره فروچکید و نامش دل شد

۶۹۵_ سر نشتر عشق بر رگ روح زدند

نشتر عشق: اضافه تشبیهی

رگ روح: اضافه استعاری

وی می تو ز یار من به جایی مانی

۶۹۶_ ای گل تو به روی دلربایی مانی

تشبیه تفضیل

بیگانه تری به آشنایی مانی

۶۹۷_ وی بخت ستیزه کار هر دم با من

استعاره مکنیه - تضاد

زبان:

این زبان پرده‌ست بر درگاه جان

۶۹۸_ آدمی مخفی است در زیر زبان

تشبیه جان به درگاه

تشبیه زبان به پرده

نظم فرهنگ فرس جست از ما

۶۹۹_ آن بت شوخ چشم مه سیما

مه سیما: اضافه تشبیهی

بت: استعاره از محبوب

صورت آن چشم دان نی آن گوش

۷۰۰_ وصف تصویر است بهر چشم هوش

جناس ناقص اختلافی بین هوش و گوش

۷۰۱- هر ساعتی بط سخنی چند بگوید

استعاره مکنیه

۷۰۲- در آب کند گردن و در آب بیپوید

جناس ناقص اختلافی بین بیپوید و بجوید

۷۰۳- چون سینه بجنباند و یک لخت بیپوید

لولوی شهوار: استعاره از قطره های آب

۷۰۴- به خم در شد از خلق پی کرد گم

جناس ناقص اختلافی بین خم و گم

در آب جهد جامه دگر بار بشوید

گویی که همی چیزی در آب بجوید

از هر سر پرش بجهد لولوی شهوار

نشان جست از آواز این هفت خم

سبک‌گامی

اُستادانه

همانند یک اُستاد یاد بگیرید!

معنی اشعار کتاب فارسی عمومی نوشته عباس فتوحی

فهرست مطالب

فصل اول: معنی اشعار قصیده.....	۵
منوچهری دامغانی: بهاریه.....	۵
ناصر خسرو قبادیانی: پند حکیمان.....	۱۰
سنایی غزنوی: اعتلار و اعتذار.....	۱۳
انوری: نامه اهل خراسان	۱۹
خاقانی: ایوان مداین.....	۲۵
محمد تقی بهار: دماوندیه	۳۰
مهدی اخوان ثالث: کهن بوم و بر	۳۶
فصل دوم: غزل.....	۴۲
شهید بلخی: نخستین شعر پارسی.....	۴۲
رودکی: هرچه بادا باد	۴۳
دقیقی: زلفکان تو	۴۵
سنایی: عاشق مشوید.....	۴۶
حسن غزنوی: تو بی ما چگونه ای.....	۴۷
انوری: بس زود برفتی.....	۴۸
عطار نیشابوری: امشب نیم مست.....	۴۹
مولوی بلخی: صورتگر نقاشم.....	۵۱
مولوی بلخی: من غلام قمرم.....	۵۲

- مولوی بلخی : شکر خندیدن ۵۴
- مولوی بلخی : غلام آفتاب ۵۶
- فخرالدین عراقی: نخستین باده ۵۸
- سعدی شیرازی : شب عاشقان بیدل ۶۰
- سعدی شیرازی: یاران به عیش بنشینند ۶۲
- سعدی شیرازی: صاحب روی نکو ۶۴
- حافظ شیرازی: انکار شراب ۶۵
- حافظ شیرازی: کی شعر تر انگیزد ۶۷
- حافظ شیرازی : شهره شهرم ۶۹
- محتشم کاشانی : غزل واسوخت ۷۱
- وحشب بافقی : ز هر کس که بریدیم بریدیم ۷۲
- کلیم کاشانی : قربان آن بنا گوش ۷۳
- صائب تبریزی : کتاب ادمی ۷۴
- بیدل دهلوی: شوخی رنگ پریده ۷۶
- فروغی بسطامی : غلام رخ زیبای تو ۷۹
- فرخی یزدی : مقام ازادی ۸۰
- شهریار : ماهم آمد ۸۱
- ابتهاج : آغاز و انجام جهان ۸۲
- عماد خراسانی: چو شب های دگر ۸۵
- سیمین بهبهانی : دوباره می سازمت ای وطن ۸۸
- شفیعی کدکنی : نفسم گرفت ۹۰
- محمد علی بهمنی : زمانه بی های و هوی ۹۱
- حسین منزوی: زن صاعقه وار ۹۳
- سلمان هراتی: معنی دریا شدن ۹۴
- قیصر امین پور: بغض های کال ۹۵
- قیصر امین پور: آرزوهای شعاری ۹۷
- ابیات یکه: از سبک هندی ۹۹
- فصل سوم: مثنوی ۱۰۱
- شاهنامه : گیسو افکندن رودابه از بام کاخ ۱۰۱
- شاهنامه : خان چهارم: تنبور نوازی رستم ۱۰۸
- شاهنامه : سخنی که ویران و آباد کرد ۱۱۲
- لیلی و مجنون نظامی : وفات مجنون ۱۲۱
- اسرار نامه : نماز نخواندن بر جنازه فردوسی ۱۲۶



۱۲۹.....	مصیبت نامه عطار : دیوانه وارسته.....
۱۳۲.....	مثنوی معنوی : به عبادت رفتن کر.....
۱۳۶.....	مثنوی معنوی : خرفروشی صوفیان.....
۱۴۲.....	بوستان سعدی: شمع و پروانه.....
۱۴۵.....	بوستان سعدی : حکایت ابراهیم(ع).....
۱۴۷.....	لیلی و مجنون جامی : کاسه شکنی لیلی.....
۱۵۲.....	سلامان و ایسال جامی: مشق نام لیلی.....
۱۵۴.....	وحشی بافقی : زیبایی لیلی.....
۱۵۶.....	رضی آرتیمانی : ساقی نامه.....
۱۵۸.....	خانلری : عقاب.....
۱۷۰.....	قیصر امین پور : نی نامه.....
۱۷۳.....	فصل چهارم:قطعه.....
۱۷۳.....	رودکی : وسوسه عاشقی.....
۱۷۴.....	ابولفرج سگزی : عنقای مغرب.....
۱۷۵.....	انوری: چنار و کدوبن.....
۱۷۶.....	ابن یمن : سفر از عدم تا عالم قدس.....
۱۷۷.....	آگهی یزدی : ده امر ناپسند.....
۱۷۸.....	قانی شیرازی : گفت و گوی دو الکن.....
۱۸۰.....	ایرج میرزا: جنگ معشوقه و مادر.....
۱۸۲.....	ایرج میرزا: حق استاد.....
۱۸۳.....	ایرج میرزا:چرا نشدی شیر.....
۱۸۴.....	پروین اعتصامی : سر و سنگ.....
۱۸۶.....	محمد تقی بهار : دخترک اعجمی.....
۱۸۸.....	نیما یوشیج : میرداماد.....
۱۸۹.....	فصل پنجم:رباعیات.....
۱۸۹.....	گزیده رباعیات.....
۱۹۹.....	فصل ششم: فہلویات و شروہ.....
۱۹۹.....	گزیده دو بیتي.....
۲۰۴.....	فصل ہفتم:شعر آزاد.....
۲۰۴.....	نیما یوشیج:مہتاب.....
۲۰۶.....	نیما یوشیج : چشم در راہم.....
۲۰۷.....	نیما یوشیج : داروگ.....
۲۰۸.....	فریدون مشیری : کوچہ.....



- ۲۱۲..... احمد شاملو : کیفر.....
- ۲۱۴..... مهدی اخوان ثالث : زمستان.....
- ۲۱۸..... مهدی اخوان ثالث : قاصدک.....
- ۲۲۰..... مهدی اخوان ثالث : کتیبه.....
- ۲۲۴..... مهدی اخوان ثالث : غزل (۳).....
- ۲۲۶..... سهراب سپهری : واحه ای در لحظه.....
- ۲۲۸..... سهراب سپهری : سوره تماشا.....
- ۲۳۰..... فروغ فرخ زاد : هدیه.....
- ۲۳۱..... فروغ فرخزاد : پرواز را به خاطر بسپار.....
- ۲۳۲..... فروغ فرخزاد : سلامی به آفتاب.....
- ۲۳۳..... شفیعی کدکنی : هزاره دوم آهوی کوهی.....
- ۲۳۸..... شفیعی کدکنی : غزل برای گل آفتاب گردان.....
- ۲۳۹..... شفیعی کدکنی : سفر به خیر.....
- ۲۴۰..... گلرخسار : شاهنامه وطن است.....
- ۲۴۲..... فصل هشتم: شعر منثور (سپید).....
- ۲۴۲..... احمد شاملو: غزلی در نتوانستن.....
- ۲۴۳..... احمد شاملو: شبانه.....
- ۲۴۵..... موسوی گرمارودی : نخل ولایت.....
- ۲۴۹..... قیصر امین پور : اشتقاق.....
- ۲۵۰..... معنی ابیات موجود در متن.....



فصل اول: معنی اشعار قصیده

منوچهری دامغانی: بهاریه

صفحه ۴۴

هنگام بهار است و جهان چون بت فرخار خیز ای بت فرخار بیار آن گل بی خار

هنگام و فصل بهار است ای زیباروی آراسته برخیز و آن می سرخ رنگ در درد و ته نشین را بیاور

آن گل که مر او را بتوان خورد به خوشی وز خوردن آن روی شود چون گل بر بار

آن می و باده ای را که بتوان آن را به خوشی خورد و از خوردنش چهره چون گل ناچیده سرخ رنگ می شود بیاور

آن گل که مر او را بود اشجار ده انگشت و آمد دنش باشد از اشجار به اشجار

آن می که درختلن آن ده انگشت و آمد و رفتش بر روی انگشتان باشد بیاور

آن گل که به گردش در نخلند فراوان نخلش ملکانند به گرد اندر احرار

آن گلی که زنبور های عسل فراوانی به دورش می گردند زنبورهای ملکه و ازاده هستند

همواره به گرد گل طیار بود نحل وین گل به سوی نحل بود دایم طیار

زنبور عسل دائم به دور گل می گردد و گل هم دائم به دور زنبور عسل می گردد

در سایه گل باید خوردن می چون گل تا بلبل قوالت برخواند اشعار

می گلگون را باید در سایه گل خورد تا بلبل برای تو نغمه خوانی کند



تا ابر کند می رابا باران ممزوج تا باد به می درفکند مشک به خروار

ابر باران را با می درامیز و باد آن را عطراگین کند.

آن قطره باران بین از ابر چکیده گشته سر هر برگ از آن قطره گهر بار

آن قطره باران تراویده از ابر را ببین که گوهر ریز شده است

آویخته چون ریشه دستارچه سبز سیمین گرهی بر سر هر ریشه دستار

یا هر برگی چون دستمال سبز کوچکی شده که از سر هراتار حاشیه آن قطره ای چون گره نقره گون اویزان است

یا همچو زبردگون یک رشنه سوزن اندر سر هر سوزن یک لولو شهوار

یا همچون ردیف سوزن سبز رنگی است که در سر هریک مروارید درخشانی است

آن قطره باران که فرو بارد شبگیر بر طرف چمن بر دو رخ سرخ گل نار

آن قطره باران که هنگام سحر در گوشه و کنار چمن بر روی گل نارمی بارد

گویی به مثل بیضه کافور ریاحی بر پیرم حمرا بپراکندست عطار

مانند گلوله های کافور خوش بویی است که عطار بر روی پارچه ی سرخ نازکی پراکنده است

وان قطره باران که فرود آید از شاخ بر تازه بنفشه نه به تعجیل به ادرار

آن قطره بارانی که با ریزش آرام و پراکنده و نه با شتاب فرو میریزد از روی شاخه بر روی بنفشه ی تازه رسته



گویی که مشاطه زیر فرق عروسان ماورد همی ریزد باریک به مقدار

گویی آرایشگر بر سر عروسان گلاب می پاشد

وان قطره باران سحرگاهی بنگر بر طرف گل ناشکفیده برسیار

آن قطره ی سحر گاهی که بر روی گل می غلتدرا نگاه کن

همچون سر پستان عروسان پری روی واندار سر پستان بر شیر آمده هموار

که مانند شیری است که بر پستان عروسان زیبا رو افتاده و جمع شده است

وان قطره باران که چکد از بر لاله گردد طرف لاله از آن باران بنگار

آن قطره بارانی که بر روی لاله می چکد و برگ لاله از آن نقش میگیرد

پنداری تبخاله خردک بدمیدهست بر گرد عقیق دو لب دلبر عیار

گویی تبخال های ریزی هستند که از بر اطرافلبان سرخ دلبر شوخ قرار گرفته اند

وان قطره باران که برافتد به گل سرخ چون اشک عروسیست برافتاده به رخسار

و آن قطره ی بارانی مه بر روی گل سرخ افتاد همانند اشک عروسی که بر صورتش می ریزد

وان قطره باران که برافتاد به سر خوید چون قطره سیمابست افتاده به زنگار

آن قطره بارانی که بر سر سبزه میچکد مانند قطره ی جیوه ای است که بر زمینه ی سبز رنگ افتاده باشد

وان قطره باران که برافتد به گل زرد گویی که چکیدست مل زرد به دینار

آن قطره بارانی که بر گل زرد می چکد همچون شراب زردی است که بر سکه ی طلاذافتاده باشد



وان قطره باران که چکد بر گل خیری چون قطره می بر لب معشوقه میخوار

و آن قطره باران که بر گل شب بو افتاده است همچون قطره می است که بر لب معشوقه ی می خوار افتاده باشد

وان قطره باران که برافتد به سمنبرگ چون نقطه سفیداب بود از بر طومار

و آن قطره بارانی که به روی سمنبرگ می افتد همانند نقطه ای سفید بر روی نامه

وان قطره باران ز بر لاله احمر همچون شرر مرده فراز علم نار

آن قطره ی باران بر روی لاله ی سرخ همچون پاره ی آتش خاموش شده ای است بروی بیرق آتشین

وان قطره باران ز بر سوسن کوهی گویی که ثریاست برین گنبد دوار

آن قطره ی باران بر روی برگ کبود سوسن کوهی مانند ستاره ی پروین در آسمان

بر برگ گل نسرين آن قطره دیگر چون قطره خوی بر ز نخ لعبت فرخار

قطره ی دیگری از باران بر روی برگ گل نسترن مانند قطره ی عرق است بر روی چانه محبوب زیبا روی

آن دایره ها بنگر اند شمر اب هر گه که در آن چکد قطره انطار

وقتی قطره باران در آب می افتد به دایره هایی که پدید می آید نگاه کن

چون مرکز پرگار شود قطره باران وان دایره آب بسان خط پرگار

ان قطره همچون مرکز پرگار می شود و آن دایره مانند خطی است که پرگار رسم می کند میشود



مرکز نشود دایره وان قطره باران صد دایره در دایره گردد به یکی بار

مرکز خود نمی تواند دایره بشود قطره باران یکباره دایره های تو در توی زیادی میشود

ان دایره پرگار از آنجای نجنبند وین دایره از جنبش صعب آرد رفتار

آن دایره ای که با پرگار کشیده شده از جای خود حرکت نمی کند و این دایره بر سطح آب است از تکان شدید حرکت میکند

هرگه که از آن دایره انگیزد باران از باد درو چین و شکن خیزد و زنار

هرگاه باران دایره متحرک ایجاد کند به وسیله ی باد در آن چین و شکن و موج پدید می آید

گویی علمی از سقلاطون سپیدست از باد جهنده متحرک شده نهمار

گویی سطح آب علمی از پارچه ی ابریشم سفید است که از وزش باد به اهتزاز در آمده است

وانگه که فرو بارد باران به قوت گیرد شمر آب دگر صورت و آثار

و ان زمان که باران شدت می گیرد برکه برکه ی اب نیز حالات دیگری پیدا می کند

گردد شمر ایدون چو یکی دام کبوتر دیدار ز یک حلقه بسی سیمین منقار

در این حال سطح برکه مانند دام کبوتری میشود و از برخورد قطره های باران با سطح اب پنداری در حلقه ی هر موجی منقار های سپید زیادی نمایان است

چون آهن سوده که بود بر طبقی بر در زیر طبق مانده ز مغناطیس احجار

مانند براده ی آهنی که بر روی طبقی است و زیر طبق سنگ های مغناطیس باشد



این جوی معنبر بر و این آب مصندل پیش در آن بار خدای همه احرار

این جوی خوشبو و اب خوشبو شده با صندل در نزد پیشگاه خداوند ازادگان

گویی که همه جوی گلاب ست و رحیق ست جویست به دیدار و خلیجست به کردار

گویا که جوی گلاب و شراب است در ظاهر جوی است ولی در عمل مانند خلیج است

ناصر خسرو قبادیانی: پند حکیمان

صفحه ۴۷

ای خواننده کتاب زند و پازند زین خواندن زند تا کی و چند

ای کسی که کتاب زند و پازند را میخوانی تا کی میخوانی این کتاب ها را بخوانی

دل پر ز فضول زند بر لب زردشت چنین نبشت در زند؟

در حالی که دلت پر از سخنان یاهو و بیهوده است. آیا زرتشت در کتاب زند اینگونه نوشته بود؟

از فعل منافقی و بی باک وز قول حکیمی و خردمند

در عمل بی باک باش و سخنان حکیمانه بگو

از فعل به فضل شو بیفزای وز قول رو اندکی فرو رند

به سمت فضیلت برو و آن را زیاد و زیاد تر کنانک سخن بگو

پندم چه دهی؟ نخست خود را محکم کمری ز پند ببرند

